علی پور، مرضیه (۱۴۰۲). تجلّی «جایگاه اهل بیت ﷺ» در نگاره‌های دوره‌های ایلخانی و تیموری. ۲(۶)، ۱۰۱-۱۳۹.
DOI:10.22034/MAB.2023.376346.1067

تجلّی «جایگاه اهل بیت ﷺ» در نگاره‌های دوره‌های ایلخانی و تیموری

دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

مرضیه علی پور[۱]

چکیده

هنر شیعی، هنری توحیدی است که با تاکید بر دو اصل امامت و عدالت در حیطهٔ هنر اسلامی قرار می‌گیرد. برخی تشکیل حکومت صفویه را زمینه‌ساز پیدایی این هنر در نظر گرفته و این دوره را سرآغاز هنر شیعی دانسته‌اند، ولی باید گفت شیوع هنر شیعی در ایران در یک روند تدریجی از عصر ایلخانیان آغاز شده و در عصر تیموری رواج و تداوم یافته و در عصر صفوی تثبیت شده است. وجود گرایش‌های شیعی در میان ایرانیان، مضامین و عناصری از باورهای شیعی در نگارگری تجلّی نموده و باعث حضور چهره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در نگاره‌ها شده است. هدف این تحقیق شناسایی ویژگی‌های بصری «جایگاه اهل بیت ﷺ» در نگارگری دوره‌های ایلخانی و تیموری و ارتباط آن‌ها با اصول مذهب شیعه است. بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، نگاره‌های دوره‌های ایلخانی و تیموری از بُعد باورهای شیعه و چگونگی تصویرسازی و تحلیل عناصر زیبایی‌شناسی و نمادین آن ها بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد تصویرسازی نسخه‌هایی با مضامین شیعی و به‌ویژه اهل‌بیت ﷺ همواره تحت‌تاثیر تفکر مذهبی هنرمندان و حامیان آن ها در دوران مختلف بوده‌است. چنان‌که در بیشتر نگاره‌های شیعی دورهٔ ایلخانی از شیوهٔ واقع‌گرایانه برای نمایش مولفه‌های بصری استفاده شده و گاه در آن‌ها نمادهای صریح و ساده‌ای نیز بروز کرده‌است، اما در دوره تیموری با افزایش گرایش‌های شیعی سعی شده با اجتناب از واقع‌گرایی و ورود به عرصه نمادگرایی، مضامین و شخصیت‌های شیعه را همان‌گونه که در مذهب شیعه انعکاس یافته، به تصویر درآیند و به این طریق بسترهای رشد عناصر نمادین نگاره‌های شیعی دوره صفوی فراهم شد.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت ﷺ، شیعه، نگارگری، دوره‌های ایلخانی و تیموری.

۱. دکترای تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران: marziealipoor@yahoo.com

۱ . مقدمه

هنر شیعی، هنری توحیدی است که با تاکید بر دو اصل امامت و عدالت در حیطهٔ هنر اسلامی قرار می‌گیرد. این هنر به بیان، نمایش یا انتقال همراه با ذوق و سلیقه فرد از اعتقادات، تفکرات، ارزش‌ها، مفاهیم، شخصیت‌ها، آداب و رسوم، جریانات و حوادث تاریخ تشیّع می‌پردازد. ویژگی دیگر این هنر برقراری ارتباط نزدیک با فرهنگ و مولفه‌های هویت ایرانی است. نبوغ قومی ایرانیان در بهبود و کیفیت اجرا و سبک هنر شیعی نقش ملموسی داشته است. در این‌باره بورکهارت عقیده دارد، دید احساسی و تفکری هنر ایرانی تا حد زیادی وابسته به محیط اجتماعی شیعی است که مرزی بین شرایع خشک سنت و جماعت و حالِ دل و الهام است(بورکهارت، ۱۳٦٥: ٤٤). به استثنای دورهٔ آل‌بویه که به‌صورت مقطعی از مولفه‌های شیعی در هنر استفاده شده، شروع، شیوع و به‌ویژه تداوم هنرشیعی در تاریخ ایران به‌تدریج و بعد از هجوم مغولان و سقوط خلافت عباسی و از عصر حاکمیت ایلخانیان آغاز شد و از دورهٔ تیموری به بعد شیوع یافت. بررسی مضمون نگاره‌ها و تحلیل عناصربصری و ارتباط آن‌ها با یکدیگر به‌مثابهٔ موجودیتی برای درک موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی عصر خلق نگاره‌ها انجام می‌شود، زیرا نگارگر ساختاری را برگزیده است که وظیفه‌اش انتقال پیام از سوی مرجع پیام است و هنرمندی‌های نقاش را نباید از نظر پنهان داشت؛ بنابراین عناصر بصری خلق‌شده به‌وسیلهٔ نقاش، نه‌تنها در قالب نمادهای صرف، بلکه در جایگاهی فراتر به تصاویری برای بیان ایدئولوژی و پیام‌ها بدل شده‌است. هنر در دورانی که حکام و متولیان هنر بر ایدئولوژی و انگیزش‌های اعتقادی اهتمام ویژه دارند، عمدتا هدفمند و وابسته می‌گردد و موضوعات و اغراضی که دامن هنر را مسخر خویش می‌سازند، مشحون از آموزه‌های دینی می‌گردد. همچنین هنر در دوران حاکمیت دین به‌ویژه آن‌گاه که در خدمت دین است، مبتنی بر زبان آموزه‌ها و منابع آن عمل می‌کند(مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۰)؛ بنابراین ظهور و تجلی شگردهای تصویری و پردازش‌های نمادین در آثار هنری را باید از این منظر بررسی کرد؛ زیرا اصولا هنری که در پی مفاهیم عمیق معنوی و سرشار از نیروی قدسی باشد، نمی‌تواند به زبان واقع‌نمایانه متوسل شود، بلکه به‌دنبال واسطه‌ای است که معنا و مفاهیم و آموزه‌های اصیل و

آسمانی را به‌وسیلهٔ آن‌ها به‌نمایش بگذارد. از این‌رو، شگردهای بصری و جلوه‌های نمادین خلق شده در آثار هنری، واسطه بیان معنا، مفاهیم و آموزه‌های اصیل و آسمانی آن‌ها می‌شوند(همان: ۳).

با وجود گرایش‌های شیعی در مقاطع مختلف تاریخی در میان مردم ایران و جایگاه هدایتگری اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن، مضامین و عناصر بصری از باورهای شیعی در نگارگری بروز و تجلی کرده و باعث حضور شمایل ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در نگاره‌ها شده است؛ اما انعکاس مضامین، وقایع، باورها و شخصیت‌های شیعه در ادوار مختلف تاریخی و فکری در نسخ و آثار متعدد از جنبه‌های مختلف و به شیوه‌های متفاوت بروز یافته‌اند. از این رو، هدف این پژوهش بررسی جایگاه ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در نگارگری دوره‌های پیشاصفوی(دوره‌های ایلخانی و تیموری) از بُعد باورهای شیعه است که در نصّوص قرآنی و روایات ریشه دارد و درصدد پاسخگویی به سوالات ذیل است:

ـ مهم‌ترین مضامین شیعی مرتبط با اهل بیت علیهم‌السلام که در نگارگری دوره‌های ایلخانی و تیموری بروز یافته‌اند، کدام‌اند؟

ـ آیا تجلی جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در نگاره‌های این دو دوره بر اساس باورهای شیعه و آیات و روایات است؟

ـ مضامین شیعی کاربردی در نگاره‌های این دوره‌ها چه ویژگی‌های بصری دارند؟

۱-۱. پیشینهٔ تحقیق

در میان پژوهش‌های دوره‌های ایلخانی و تیموری، مطالعهٔ جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در نگارگری بر اساس آیات و روایات نقش ویژه‌ای دارد، ولی تاکنون مطالعات کمتری در این خصوص انجام گرفته است. از کتاب‌هایی که در راستای این پژوهش واقع می‌شود، می‌توان به کتاب «معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله» نوشتهٔ هلنا شین‌دشتگل(۱۳۸۹) اشاره کرد که ضمن بررسی تاریخ

نقاشی مذهبی در اسلام، به بررسی نگاره‌های معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در دوره‌های مختلف می‌پردازد. کتاب «عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان» نوشتهٔ مهناز شایسته‌فر(۱۳۸٤) نیز شامل مباحثی از هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌های تیموری و صفوی است که در کنار بررسی سیر تاریخی نگارگری این دوران، آثار شیعی را در این دوره‌ها معرفی کرده است. از جمله مقالاتی که در راستای این پژوهش واقع می‌شوند می‌توان به این موارد مراجعه نمود: در مقاله «تصویرآرایی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان شیعی علیهم‌السلام در نسخهٔ خطی حبیب‌السیر با محوریت بحارالانوار» رضا نورانیان و همکاران(۱۳۹۹) ضمن مطالعهٔ ویژگی‌های شمایل‌نگاری تعدادی از نگاره‌های پیامبر و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در نسخه حبیب‌السیر و ارتباط آن‌ها با روایات بحارالانوار، به تحلیل کاربرد مفاهیم و نمادهای شیعی در آن‌ها می‌پردازند و شمایل‌نگاری دورهٔ صفوی را بررسی می‌نمایند. در تحقیق «بررسی روند تجلی مضامین شیعی در نگارگری ایران» علیرضا مهدی‌زاده(۱۳۹٦) به بررسی و تحلیل روند تحول مصورسازی مضامین شیعی از دوره‌های ایلخانی تا صفوی بر مبنای روایت پرداخته و دورهٔ صفوی را نقطهٔ عطفی در ظهور نگاره‌های شیعی دانسته است که با نمادهای شیعی به‌نمایش درآمده‌اند. این پژوهش جنبهٔ تطبیقی داشته و نگارهٔ فتح خیبر در فالنامه تهماسبی را به‌عنوان نمونه‌ای از نگارگری واقعه خیبر با رویکرد شیعی معرفی کرده است. بر اساس یافته‌ها، پژوهشی که ضمن توصیف و تحلیل جایگاه ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در نگاره‌های دوره‌های ایلخانی و تیموری به بررسی محتوایی و بصری این نگاره‌ها از بعد باورهای شیعه که ریشه در نصّوص قرآنی و روایات دارد، انجام نشده‌است.

۱-۲. روش تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت و روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی و تفسیری است و گردآوری اطلاعات آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اسنادی انجام شده است. در این تحقیق عناصر بصری نگاره‌های شیعی به لحاظ مشترکات ساختاری و مفهومی با آیات و روایات مطالعهٔ تطبیقی شده است تا ارتباط میان اعتقادات مذهبی حاکم بر دوره‌های ایلخانی و تیموری را در نحوهٔ شکل‌گیری مولفه‌های بصری موجود در نگارگری مشخص

نماید. شایان ذکر است که در این تحقیق برای شناخت مفاد حقیقی و ارزش‌های شیعی عناصر تصویری، از تفسیر و تاویل آن‌ها بر اساس منابع قرآنی و روایی استفاده شده است؛ زیرا قرآن جایگاه بی‌بدیلی در اندیشهٔ شیعی دارد و اساسی استوار و محکم در بیان حقانیت شیعه فراهم می‌سازد و نگارگران در آثار هنری از تفاسیر آیات قرآنی برای اثبات حقیقت و درستی دیدگاه خود استفاده کرده‌اند.

۲. جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در آیات و روایات

مطابق با روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در واپسین روزهای عمر شریف خویش «حدیث ثقلین»[۱] را به‌عنوان وصیتی همیشگی برای امت خود بیان فرمودند. بنا بر «حدیث ثقلین» که در کتب شیعه و اهل سنّت آمده و همه بر صحّت آن اتفاق‌نظر دارند، این دو امانت «قرآن» و «اهل بیت علیهم‌السلام» ایشان هستند. این حدیث دربارهٔ جایگاه هدایتگری قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در دین اسلام و لزوم تمسک به آن‌ها پس از رحلت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله سخن می‌گوید و اینکه این دو همواره در کنار یکدیگرند تا در کنار حوض کوثر به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ملحق شوند. این حدیث علاوه بر امامت ائمه علیهم‌السلام، اثبات اتصال قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌نماید و نشان می‌دهد که قرآن را به‌تنهایی و بدون اهل‌بیت علیهم‌السلام نمی‌توان فهمید و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هدایت مسلمانان را در گرو مراجعه به آنان اعلام فرموده است. در هدایتگری قرآن به‌ویژه برای پرهیزکاران تردیدی نیست، چراکه قرآن بینهٔ ابدی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و راهنمای همیشگی مسلمانان است، امّا «اهل بیت» چه کسانی هستند و از نظر سیاسی و معنوی چه شئونی دارند که طبق «حدیث ثقلین»، هدایت قرآن با رهبری آنان گره خورده‌است(معارف، ۱۳۹۹).

«اهل بیت» واژه‌ای است که قرآن در «آیهٔ تطهیر» برای اهل عصمت از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌کار برده است.[۲] مطابق با روایات اهل بیت علیهم‌السلام شامل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی، فاطمه و حسنین علیهم‌السلام معروف به «خمسهٔ طیبه» و «اصحاب کساء» نیز شناخته می‌شوند و بر

۱. «إنّی تارکٌ فیکم الثّقلین کتاب‌الله و عترتی لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض ما إن تمسکتم بهما لن تضّلوا و لن تزّلوا»
۲. «إِنَّما یرِیدُاللهُ لِیذْهِبَ عَنْکمُ‌الرِّجْسَ أَهْلَ‌الْبَیتِ وَیطَهِّرَکمْ تَطْهِیراً»(احزاب، ۳۳)

اساس روایاتی بی‌شمار عنوان «اهل‌بیت» شامل سایر امامان معصوم از فرزندان امام حسین علیه‌السلام نیز می‌شود. در اعتقادات شیعه، اهل بیت علیهم‌السلام همچون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای هر مسلمان الگو و اسوه هستند. از آنجا که در قرآن و روایات اسلامی فضایل فراوانی برای اهل بیت علیهم‌السلام بیان‌شده، محبت و اطاعت از آن‌ها بر همه مسلمانان واجب شده است. آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که ناظر به شخصیت و مقامات اهل‌بیت علیهم‌السلام است که زمانی مقاصد این آیات روشن می‌گردد که به روایات صحیحی که درباره سبب نزول آن‌ها آمده است، مراجعه شود یا در صورتی‌که توضیح و تفسیری در خصوص مفاد آن‌ها از معصومین علیهم‌السلام وارد شده‌است، ملاحظه شود. از آن جمله می‌توان به «آیه مباهله»[1] اشاره کرد که دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است. آنچه در جریان مباهله اهمیت دارد، این مطلب است که مطابق «آیهٔ مباهله» علی علیه‌السلام مصداق نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حسنین علیهما‌السلام به‌عنوان فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و فاطمه علیهاالسلام مصداق بارزی از زنان در امت اسلامی قلمداد شده‌اند. از این رو، امامان شیعه در برخورد با مخالفان خود، همه جا با استناد به این آیه، خود را پسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نامیده و بر دیگران افتخار کرده‌اند.[2] از آیات متعددی که در خصوص اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده می‌توان به نزول آیات «تبلیغ» [3] و «اکمال» [4] در روز «عید غدیرخم» اشاره نمود. مطابق حدیث متواتر «غدیر»، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در «حجه‌الوداع» علی علیه‌السلام را از طرف خدا به‌عنوان خلیفه، وصیّ و امام پس از خود معرفی نمود. «آیه تبلیغ» که پیامبر را مامور به ابلاغ این پیام نموده‌است و «آیه اکمال» که اتمام نعمت و اکمال دین را با این واقعه می‌داند در این روز بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد. در نقل‌های شیعی این روایت، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر این مسئله تاکید می‌کنند که امامت و ولایت را تا روز قیامت در نسل خود باقی می‌گذارند تا بندگان بدین طریق به سعادت حقیقی دست یابند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «بهترین وسیلهٔ تقرب بندگان به‌سوی خدای عزوجل اطاعت خدا و اطاعت

۱. «فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَالْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَکُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَکُمْ وَأَنْفُسَنا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَاللهِ عَلَىالْکَاذِبِینَ» (آل‌عمران، ۶۱)
۲. همچون گفتگوی میان امام‌کاظم علیه‌السلام و هارون‌الرشید راجع‌به اینکه ائمه علیهم‌السلام فرزندان رسول‌الله هستند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۳ : ۳۶۱-۳۶۳).
۳. «یا أَیهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیک مِنْ رَبِّک وَإِنْ لَمْتَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللهُ یعْصِمُک مِنَ النَّاسِ إِنَّاللهَ لایهْدِی الْقَوْمَالْکافِرِینَ»(مائده،۶۷)
۴. «الْیوْمَ أَکمَلْتُ لَکمْ دِینَکمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیکمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکمُ‌الْإِسْلامَ دِیناً»(مائده، ۳)

رسـول و اطاعـت والیـان امـر اسـت، همچنیـن امـام فرمـود: دوسـتی مـا ایمـان و دشـمنی مـا کفـر اسـت»(کلینی، ۱۳۵٦، ج۱: ۲٦٦، روایـت ۱۲).

۲-۱. اصول و مبانی شیعه

اصـول و مبانـی اعتقـادی شـیعه، بـر آیـات قـرآن و روایـات پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله اسـتوار اسـت. بیـان ایـن مهـم از آن رو اهمیـت فـراوان دارد کـه اولا اثبـات می‌کنـد، شـیعه مولـود طبیعـی اسـلام اسـت و معتقداتـش در نصّـوص قرآنـی و روایـات ریشـه دارد. ثانیـا نشـان می‌دهـد ظهـور آن، دسـت کـم از جنبـهٔ اعتقـادی بـه عصـر نبّـوت بـاز می‌گـردد، نـه بـه رویدادهـا و تحـولات تاریخـی پـس از رحلت پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله. «توحیـد، نبّـوت و معـاد» اصـول دیـن اسـلام‌اند و عـلاوه بـر آن دو اصـل «امامـت و عدالـت» از اصـول تشـیّع هسـتند و هرکـس بـه آن‌هـا ایمان نداشـته باشـد از شـیعه بیرون اسـت؛ اگرچـه از اسـلام خـارج نیسـت؛ بنابرایـن، شـیعه بـر پنـج اصـل «توحیـد، نبّـوت، معـاد، عـدل و امامـت» اسـتوار اسـت. «مبانـی شـیعی» بـه سلسـله مفاهیـم و ارزش‌هایـی اطـلاق می‌شـود کـه منحصـر بـه شـیعیان علی‌بن‌ابیطالـب علیه‌السلام بـوده و بـر پایـه مفهـوم اساسـی ولایـت اهل‌بیـت علیهم‌السلام شـکل گرفتـه اسـت. دو اصـل «امامـت و عدالـت» شـامل مبانـی و باورهـای شـیعی ذیـل اسـت.

۲-۱-۱. اصل امامت

مفهـوم امامـت از نظـر مذاهـب اسـلامی متفـاوت اسـت. در نظـر امامیه، امامـت از اصول تشـیّع و بـر پایـهٔ نظریـه اهـل سـنّت، از فـروع دیـن اسـت(مکارم شـیرازی، ۱۳۹۵). متکلمـان شـیعی، امامـت را ریاسـتی دینـی و دنیایـی می‌داننـد: «الامامـا ریاسـه عامـه فـی امورالدیـن و الدنیـا بالاصاله»(بحرانـی،۱٤۰٦ق: ۱۷٤). امامـت از نظـر باطـن ولایتـی اسـت کـه امـام بر اعمـال مردم دارد و هدایتـش چـون هدایـت انبیـا و رسـولان و مومنیـن صـرف راهنمایـی از طریـق نصّیحـت و موعظـه حسـنه و بالاخـره صـرف آدرس دادن نیسـت، بلکـه هدایـت امام دسـت خلق گرفتـن و به راه حـق رسـاندن اسـت(طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۱: ٤۱۱). علامـه حلـی، امامـت را لطـف خداونـد بـه بنـدگان خـود می‌داند(علامـه حلـی،۱۳۸۲: ۱۸۱) و ایـن بدیـن معناسـت کـه امامـت، نظیـر

نبّـوت، از مسـائلی اسـت کـه از اختیـارات انسـان بیـرون اسـت و بایـد از راه وحـی و تعییـن الهـی صـورت پذیـرد، بـا ایـن تفـاوت کـه نبّـی به‌طـور مسـتقیم از سـوی خـدا تعییـن می‌شـود و امـام به‌واسـطه پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله از سـوی خداونـد تعییـن می‌گـردد.[۱] شـیعه، اصـل امامـت را معـرف خـود می‌شـمارد و آن را در حـوزۀ ایمانیـات قـرار می‌دهـد؛ یعنـی اگـر از جنبـۀ معنـوی نگریسـته شـود، از آن نظـر کـه امـام بـه اصطـلاح احادیـث «حجـت خـدا» و «خلیفه‌اللـه» اسـت و رابطـۀ معنـوی میـان هـر فـرد مسـلمان و انسـان کامـل در هـر زمـان ضـروری اسـت، امامـت جزئـی از مسـائل ایمانـی خواهـد بـود.

۲-۱-۱-۱. مظاهر امامت

مقـام و جایـگاه اهـل بیـت علیهم‌السلام، امامـت تـداوم نبّـوت، امامـان از نسـل فاطمـه علیهاالسلام، صـراط مسـتقیم؛ راه امامـان شـیعه، علـم امامـان، عصمـت، وصایـت و نـصّ، امدادهـای غیبـی، کرامت، داوری اخـروی و شـفاعت، توسـل، زیـارت.

۲-۱-۲. اصل عدالت

یکـی از افتراقـات مهـم شـیعه بـا سـایر مذاهـب دنیـای اسـلام (به‌غیـر از معتزلـه) اعتقـاد بـه عدالـت در همـه شـئون خداونـد اسـت. «عـدل، ضدجـور بـه معنـای رعایـت برابـری میـان دو چیـز و قـراردادن هـر چیـز در جایـگاه خـود اسـت»(ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج۱۱: ۴۳۰؛ ذیـل واژۀ عـدل). همچنیـن عـدل از نام‌هـای خداونـد اسـت(کلینی، ۱۳۶۵، ج۲: ۴۱۶)؛ زیـرا خداونـد بـه حـق حکـم می‌کنـد و در حکمـش ظلـم و سـتم وجـود نـدارد. بنـا بـر اعتقـاد شـیعه، تمـام عالـم هسـتی بـر میـزان عـدل الهـی بنـا شـده اسـت، آن‌سـان کـه هیـچ انسـانی و هیـچ موجـودی از مقتضیـات لازم وجـودی خـود محـروم نیسـت. ایـن معنـا مسـتقیم از قـرآن اخـذ شـده اسـت.[۲] وقتـی مکتـب تشـیّع کـه جلـوه‌گاه اسـلام راسـتین اسـت در برابـر تحریـف یکـی از اساسـی‌ترین

۱. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی‌الامر منکم»(نساء، ۵۹)
۲. «یَا أَیُّهَاالْإِنْسَانُ مَا غَرَّکَ بِرَبِّکَ‌الْکَرِیمِ ❋الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ»(انفطار، ۶-۷)

مبانـی اعتقـادی اسـلام قـرار گرفـت و رهبـران ایـن مکتـب مشـاهده کردنـد کـه بـه دسـت جمعی از مـزدوران دربـار کـه بـا عنـوان راویـان حدیـث و علمـا در جامعـه معرفـی می‌شـوند، عدالـت خـدا کـه زیربنـای عدالـت اجتماعـی اسـت به‌صـورت خطرناکـی توجیـه می‌شـود و جنایـات دربـار، به‌وسـیلۀ اصـل جبـر بـه حسـاب خـدا گذاشـته می‌شـود و تبدیـل بـه عدالـت می‌گـردد، اعـلام کـرد، اسـلام منهـای عـدل مسـاوی اسـت بـا اسـلام منهـای اسـلام و انـکار عـدل در واقـع انـکار اسـلام اسـت(نهج‌البلاغه، خطبـۀ۳۳). بـه ایـن ترتیـب شـیعه بـا اعتقاد بـه عـدل خداونـد در برابر عقایـدی کـه سـبب انحطـاط جامعـه اسـلامی بـود، ایسـتاد.

۲-۱-۲-۱. مظاهر عدالت

شهادت طلبی، قیام علیه ظلم، مهدویت، انتظار.

۲-۲. نگارگری شیعی دورۀ پیشاصفوی

از اوایـل دوران اسـلامی بـه دلیـل ملاحظـات و حرمت‌هـای دینـی نسـبت بـه هنرهـای تصویری آثـار ارزنـده‌ای از تصویرسـازی وجـود نـدارد؛ زیـرا حرمـت تصویـر به‌تدریـج چون سـنت مقبولی در جامعـه اسـلامی تثبیت شـده بـود و این موجب کندی پیدایش و شـکوفایی تصویرسـازی گشـت. اگرچـه نخسـتین تصاویـر دینـی و پیکرنـگاری پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دورۀ ایلخانیـان به‌جـا مانـده، ولـی در برخـی روایـات و گـزارش کتاب‌هـای تاریخـی در قـرون اولیـه اسـلام، اخبـاری از چهره‌گشـایی پیامبـران نقـل شـده اسـت. مطالعـۀ کتـاب «مروج‌الذهـب» و «معادن‌الجوهـر» ابوالحسـن علـی بـن مسـعودی(قرن٤ق)، نشـانه‌های روشـنی از وجـود نقاشـی‌های دینـی بـا موضـوع پیامبـران و نیـز تصویـر پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله را مشـخص می‌کند(شین‌دشـتگل، ۱۳۸۹ : ۳۵). به‌رغـم اینکـه صفویـان بـه داشـتن حاکمیـت شـیعی شـهرت دارنـد، ولـی در قـرون٤ و٥ قمـری حاکمـان دیلمـی اولیـن حکومـت مبتنـی بـر اصـول تشـیّع را بـه وجـود آوردنـد و اولیـن نگاره‌هـای باقی‌مانـده از وقایـع زندگـی رسـول اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و علـی علیه‌السلام در نسـخه مصـور بلعمـی از «تاریـخ الرسـل و الملـوک» طبری باقـی مانـده اسـت. بـه نظـر شایسـته‌فر، در ایـن نسـخه حضـرت علـی علیه‌السلام بـا ذوالفقـار در نقـش

قهرمانـی در اولیـن پیکارهـای جامعـه اسـلامی مـورد تاکیـد واقـع شده‌است(شایسـته‌فر، ۱۳۸٤ : ۱٤).

اولیـن مکتـب نگارگـری در بغـداد شـکل گرفتـه و «خلفـای عباسـی معمـولا از مذهـب حنفـی حمایـت می‌کردند»(ملـک مـکان و همـکاران، ۱۳۸۹: ۲۳٤)، بنابرایـن بایسـتی فقـه حنفـی را بررسـی نمـود. بـر اسـاس فقـه حنفـی، نگارگـری انسـان چـه به‌صـورت شـمایل‌نگاری و چـه غیرشـمایل‌نگاری بی‌اشـکال اسـت؛ زیـرا کشـیدن تصویـر روی کاغـذ، در جایـگاه محترمـی قـرار نمی‌گیـرد و مسـئلهٔ شـباهت بـا کفـار پیـش نخواهـد آمـد؛ بنابرایـن بسـیار بعیـد به‌نظـر می‌رسـد کـه فقـه مانـع جـدی در شـکل‌گیری شـمایل بـوده باشـد؛ زیـرا بـا توجـه بـه غلبـهٔ اهـل سـنّت در ایـن عصـر، فقـه سـنّی مخالفتـی در این‌بـاره نداشـته‌اند، بلکـه علمـای فقـه امامیـه در ادوار مختلـف دیدگاه‌هـای متفاوتـی بـه اصـل نگارگـری اظهـار داشـته‌اند و مسـئلهٔ در بیـن آن‌هـا اجماعـی نیست(سـعیدی‌زاده و موسـوی‌گیلانی، ۱۳۹۳ :٤۲). البتـه به‌رغـم مخالفـت برخـی بـزرگان شـیعه بـا اصـل تصویرگـری موجـود زنـده، بایـد در نظـر داشـت کـه در آن روزگار جمعیـت شـیعه در اقلیـت قـرار داشـت و چنانچـه نگارگـران شـیعه کـه پایبنـد بـه فقـه و شـریعت بودنـد، می‌خواسـتند دسـت بـه تصویرگـری بزننـد، فقـه قبـل از ایلخانـی در برهه‌هایـی از زمـان می‌توانسـت اثـری موثـر بـر اقلیـت شـیعه برجـای گـذارد. بـا توجـه بـه اینکـه در آن اعصـار غلبه با اهـل تسـنن بـود، دیدگاه‌هـای فقـه شـیعه تاثیر جـدی در عـدم تصویرگـری نداشـت(همان: ٤٤). در نگاره‌هـای مربـوط بـه دوره سـلجوقی کـه اولیـن مضامیـن مذهبـی بازنمایـی شـده‌اند، چهـره مقدسـین بـه شـیوهٔ واقع‌گرایانـه و از بُعـد تاریخـی مصـور گشـته‌اند، ولـی بـا اسـتقرار حاکمـان شـیعه و ترویـج باورهـا و عقایـد شـیعی تحـولات اساسـی در زمینـه مصورسـازی مضامیـن مذهبی رخ داده‌اسـت و شـیوه‌ها و عناصـر نمادیـن خاصـی در عرصـه نگارگـری ظهـور نمـوده کـه زمینـه تجلـی عناصـر بصـری ویـژه‌ای را بـه قصـد القـای مجموعـه‌ای از تاثیـرات خـاص فراهـم کـرد.

در دورهٔ ایلخانـان تحولـی در آرای فقهـای سـنّی حنفـی و حنبلـی صورت نگرفت و فقهای شـیعه نیـز همچـون محقـق اول، فاضـل آبـی و علامـه حلّـی مخالفتـی با نگارگـری نشـان ندادنـد و قائل بـه جـواز شـدند(همان: ٤۲). اسـلام آوردن فرمانروایـان مغـول و حمایـت از ادبـا، دانشـمندان و هنرمنـدان در پیـروی از علـم، ادب، هنـر و اندیشـه‌های اسـلامی، زمینـه مناسـبی بـرای تهیـه

کتـب خطـی و مصـور بـا مضامیـن تاریخـی و ادبـی، بهویـژه قصـص پیامبـران و حـوادث زندگـی آنـان داشـت. چنانچـه احـداث ربـع رشـیدی در تبریـز و گـردآوری گروه‌هـای متعـدد هنرمنـدان، پیشـه‌وران و دانشـمندان در آنجـا، در رونـد شـکل‌گیری مصورسـازی و آرایش کتاب بـا گرایش‌های مذهبـی در دوره‌هـا و مکاتـب بعـدی نقاشـی ایرانی نقـش عمده ایفـا کرد(شین‌دشـتگل، ۱۳۸۹: ۳۵). البتـه حاکمـان ایلخانـی بـدون توجـه بـه احـکام شـرع اسـلامی دربـارۀ منـع تصویرگـری چهـره بهویـژه تصاویـر اولیـای الهـی، دسـتور بـه نـگارش کتـب مصـور ماننـد «جامع‌التواریـخ» و «آثارالباقیـه» همـراه بـا نگاره‌هایـی بـا مضامیـن تاریخـی دینـی دادند(شایسـته‌فر، ۱۳۸٤ :٤۲). چنـد سـال قبـل از این‌کـه نسـخه «آثارالباقیـه» مجـدد نسـخه‌برداری شـود، عالـم و رهبـر شـیعه علامه‌حلـی از عـراق بـه دربـار اولجایتـو آمـد و ایـن بـار نگاره‌هـای «آثارالباقیـه» بیرونـی بـه سـفارش الجایتـو به‌تصویـر کشـیده شـده‌اند(همان) و نگاره‌هـای «مباهلـه» و «غدیـر خـم» به‌عنـوان بخشـی از تفسـیری شـیعی از تاریـخ اسـلام سـفارش داده شـده‌اند. بـر ایـن اسـاس نقـش کلیـدی علمـای شـیعه، امـکان آماده‌سـازی حضـور فرهنـگ تشـیّع در دوره تیمـوری و اوج آن بـا پذیـرش مـردم و حاکمیـت صفویـه در تاکیـد بـر جنبه‌هـای روحانـی و معنـوی مذهب شـیعه را همـوار کردنـد. هرچنـد فقـه اهل‌سـنت درباره ترسـیم شـمایل ائمه علیهم‌السلام مشـکلی نداشته‌اسـت، ولـی در ایـن اعصـار اهـل بیـت پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله همچـون علـی علیه‌السلام به‌عنـوان چهـره‌ای از یـاران پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله ظاهـر شـده‌اند و به‌صـورت افـراد عـادی، نـه بـا عنـوان امامان‌شـیعی؛ بنابرایـن برخـی هنرمنـدان یـا حامیـان شـیعی مجبـور بوده‌انـد بـا انتخـاب مضامیـن شـیعی بـرای نگاره‌هـا یـا اینکـه کاربـرد عناصـر شـیعی به‌صـورت نمادیـن در نگاره‌هـا گرایش‌هـای شـیعی خویـش را به‌نمایـش بگذارنـد.

تیموریـان نیـز از طریـق فرهنـگ، سیاسـتی را در پیـش گرفتنـد کـه مشـروعیت حکومت‌شـان را در فضـای اسـلامی ایـران تحقـق ببخشـند. آن‌هـا بـا احتـرام و توجـه بـه عقایـد و باورهـای شـیعی، عـلاوه بـر کسـب مشـروعیت بـرای حاکمیـت خـود، موجـب تحـول و توسـعه تدریجـی هنرشـیعی ماننـد نگارگـری در ایـران گشـتند(همان: ۲۷). شـیعه پلی بود بین تشـیع مردمی(عامیانه) و تشـیع از نـوع فقاهتـی کـه در ایـن دوره شـاهد شـکوفایی هـر دو نـوع هسـیتم. تاثیـر ایـن نـوع جریان‌های مذهبـی در هنـر ایـن دوره را نمی‌تـوان نادیـده گرفت(آژنـد، ۱۳۸۷: ۲۵٦)؛ بنابرایـن نقش‌مایه‌هـای

شیعی در نگارگری نسخ خطی تیموریان مانند مصورسازی «کلیات تاریخی» حافظ ابرو در عهد شاهرخ تیموری پدید آمد. از دیگر نسخی که هم‌زمان با حکومت تیموری و در مکتب بغداد مصور شده، نسخه خطی و مصور «کلیله و دمنه» نصرالله ابوالمعالی است که باورهای شیعی این عصر را به‌تصویر کشیده است. تصاویری که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نشسته در میان اصحاب آن حضرت نشان می‌دهد و هر یک از صحابه بدون نام آنان می‌توان شناسایی کرد، گسترش بسیار زیادی یافت. از این نوع تصاویر گاهی برای تایید معتقدات شیعه استفاده شده و دلیل آن وضع ممتازی است که نقاش برای امام علی و حسنین علیهما‌السلام برگزیده است(عکاشه، ۱۳۸۰ : ۱۲۱). نسخهٔ خطی و مصور کلیات تاریخی «مجمع‌التواریخ» حافظ ابرو(۸۱۹-۸۱۸ق) نیز که به دستور شاهرخ میرزا تهیه شده است، دارای دو نگاره با موضوعات شیعی با عنوان‌های «فتح خیبر» و «فتح مکه» است. یکی دیگر از نسخه‌های مکتب هرات «معراج‌نامه» میرحیدر است که در سال ۸۴۰قمری برای شاهرخ تیموری نوشته شده است. یکی از نگاره‌های این نسخه با عنوان «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با همراهی جبرئیل در کنار نهر کوثر» طبق اعتقادات شیعیان تصویرگری شده‌است. همچنین در نسخه «حیرت‌الابرار» تالیف امیرعلیشیر نوایی نیز شخصیت‌های شیعی همچون امام علی و حسنین علیهما‌السلام در موقعیت‌های مختلف نمایش داده شده‌اند. در زمان تسلط ترکمنان، در سبک کتاب‌نگاری غیردرباری شیراز تحولی پدیدار شد(پاکباز، ۱۳۸۵: ۷۷). در این کارگاه‌ها هنرمندان محلی و غیرمحلی با توجه به شیوه‌های مکتب هرات خصوصیات متفاوتی را پدید آوردند که از نسخه‌های این سبک «خاوران‌نامه ابن‌حسام» است که تعداد زیای از نگاره‌های این نسخه از مفاهیم شیعی حکایت دارند. همچنین نسخهٔ «گلچین ادبی» که به سفارش اسکندر سلطان در مکتب هنری شیراز مصور شده، چندین مجلس از آن باورهای شیعی را به‌نمایش گذاشته است.

۲-۳. بررسی نگاره‌های شیعی دوره‌های ایلخانی و تیموری

۲-۳-۱. نگاره «نسب‌شناسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله» نسخهٔ «تاریخ بلعمی» (ج ۱)

این نگاره با کتیبه‌هایی راجع به شجره‌نامهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان ایشان به‌نمایش درآمده

است(تصویر۱) در قسمت راست بالای این نگاره، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، با جامه‌ای سبزرنگ، عمامه‌ای سپید و گیسوان سیاه‌رنگ، روی سجاده‌ای با نقش محراب که بر آن کلمه «الله» نقش بسته، نشسته است. ایشان با دست چپش به سمت قرآن که در دست راستش نگه داشته است، اشاره می‌کند و احتمال دارد با ابوبکر و عمر که در مقابل ایشان نشسته‌اند، دربارهٔ آن گفت‌وگو می‌کند. در این نگاره ذوالفقار در دست عمر قرار دارد، برخلاف سایر نگاره‌ها که همیشه ذوالفقار در دستان امام علی علیه‌السلام ترسیم می‌شود. رایا شانی دلیل ترسیم ذوالفقار همراه عمر را به‌خاطر نقشی می‌داند که این خلیفه در دفاع از دین اسلام داشته است؛ زیرا در زمان خلافت وی کشورگشایی‌های چشمگیری در جهان اسلام رخ داده است(shani ,2005: 295)، ولی به عقیدهٔ نگارنده چنین ادعایی مردود است؛ زیرا در نگاره‌های دیگر همین نسخه همچون نگاره‌های «جنگ‌بدر»، «جنگ‌صفین» و ... ذوالفقار همیشه به همراه علی علیه‌السلام ترسیم شده است و هیچ‌گاه در دستان کسی دیگر نبوده است. چنان‌که در نگارهٔ «ستایش رسول علیه‌السلام» در نسخهٔ شاهنامه که در اوایل قرن۱۴ میلادی و احتمالا همزمان با همین نسخه «تاریخ بلعمی» در دورهٔ ایلخانی مصور شده، نیز ذوالفقار همراه علی علیه‌السلام است و در مقابل ایشان و در سمت چپ عمر با شمشیری یک لبه بر کمر نمایش داده شده است که احتمالا نگارگر به این طریق به نمایش کشورگشایی‌هایی که در زمان خلافت وی در جهان اسلام رخ داده، اشاره کرده است و ضرورتی نداشته ذوالفقار را در دستان عمر ترسیم کند.[1] با این تفاصیل، علت ترسیم ذوالفقار در دستان عمر در این نگاره مبین این امر است عمر شمشیر امیرالمومنین علی علیه‌السلام را تصاحب کرده است. ذوالفقار یکی از ماندگارترین نمادهای جهان اسلام است(Alexander ,1999: 157) و برخی آن را یک نماد غیبی می‌دانند که نماد یک قهرمان برجسته‌ای به نام علی علیه‌السلام است(Alexander ,1984: 36). طبق روایتی از رسول خدا، خداوند آن را به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله داده تا به خلیفه الله در زمین یعنی علی علیه‌السلام بدهد. پس گرفتن ذوالفقار از علی علیه‌السلام می‌تواند نمادی از گرفتن خلافت از علی علیه‌السلام باشد[2] و این اشاره به غصب حق جانشینی امام علی علیه‌السلام توسط عمر دارد.

۱. البته سوچک علت ترسیم عمر را با شمشیر در آن نگاره دو موضوع دیگر می‌داند(Soucek,1988: 194).
۲. حضرت امام‌صادق علیه‌السلام فرمودند: «... زمانی که قائم ما ظهور می‌کند در کنار کعبه شمشیر رسول‌خدا، ذوالفقار، به همراه اوست ...» (حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج۵ : ۱۶۸) از امام‌رضا علیه‌السلام نقل شده‌است: «... یکی از نشانه های امامت ذوالفقار است ...» (همان:۳۴۴).

در پشت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله جبرئیل، حامل وحی الهی، ایستاده است و در پس‌زمینه و پشت سر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرده‌ای سبزرنگ نیز به نمایش گذاشته شده است. در مرکز تصویر، حسنین علیهماالسلام با عمامه و جامه‌های هم‌رنگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ترسیم شده‌اند و مدل عمامه و حالت گیسوان آن‌ها نیز مشابه حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است. در پیش‌زمینهٔ نگاره و پایین‌تر از حسنین علیهماالسلام و در سمت راست آن‌ها، عثمان با عمامهٔ زردرنگ و جامهٔ سپیدی مشاهده می‌گردد که به سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نگرد و در مقابل وی دو مرد با پوشش‌های متنوع در حال مطالعه قرآن یا کتابی هستند که روی رحل قرار دارد. در قسمت پایین و گوشه سمت راست تصویر، علی علیه‌السلام با لباس سبزرنگ(هم‌رنگ لباس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) نشسته است و قلم طلایی و طومار که احتمالا «کتاب علی علیه‌السلام» یا «صحیفه جامعه» در دستانش قرار دارد. این کتاب را علی علیه‌السلام در حال حیات رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نوشته است. ایشان آنچه از رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله از حلال و حرام و دیگر مطالب می‌شنیدند، همه را می‌نوشتند، مجموع احادیث مسموع از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که به املای آن حضرت و نگارش امام علی علیه‌السلام بود. این کتاب دست به دست، در خاندان رسالت می‌گشت. طول این کتاب ۷۰ ذراع و ضخامت آن به اندازهٔ ران شتر و کتاب به‌صورت طوماری پیچیده می‌شد.

(تصویر ۱) نگاره «نسب‌شناسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، «نسخه بلعمی»(جلد اول)، قرن ۸ ق. محل نگهداری گالری فریر
(www.wikimedia.org)

در گوشهٔ سمت چپ مردی با جامه اهل کتاب در آن دوره مشاهده می‌گردد. ترسیم علی علیه‌السلام با طومار نوشتاری علاوه بر نمایش موقعیت وزارت او در طول زندگی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، می‌تواند وظیفهٔ معنوی را که به وی توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در طول مراسم «حجه‌الوداع» تفویض شده است، نشان دهد. این وظیفه بنا بر «حدیث ثقلین» می‌تواند حفظ پیام قرآن به‌صورت اولیه و نابش برای نسل‌های بعدی، زمانی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در میان آن‌ها نیست و نبّوت دیگر وجود ندارد، باشد. قبای سبز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام ایشان، احتمالا به ماجرای «حدیث‌کساء» مرتبط است. در متون شیعه این موضوع به آیهٔ ۳۳ «سورهٔ احزاب» نسبت داده شده که خداوند می‌فرماید: «خداوند می‌خواهد تو و اهل بیت تو را از هرگونه ناپاکی دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد.» اهل بیتی که علامه‌حلی می‌گوید، خانواده پاکی است که توسط پروردگار انتخاب شده‌است(العتره‌التطهیر/آیه تطهیر)، امری که به‌عنوان وحی الهی درباره علی، فاطمه و حسنین علیهم‌السلام نازل شده است که ویژگی امامت ایشان را تایید می‌کند. از این‌رو، قباهای سبزرنگ مشترک میان حضرت‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و سه تن از اعضای اهل بیتش ممکن است به مصونیت فطری آن‌ها از گناه (عصمت) نیز اشاره کند؛ زیرا برخلاف متکلمین اهل سنّت که مصونیت ذاتی از گناه را فقط منحصر به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دانند، متفکران شیعه معتقدند، «عصمت» خصیصه‌ای ذاتی است که نه‌تنها از آن رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله است، بلکه امامان شیعه نیز دارای این صفت هستند(shani ,2005: 288).

۲-۳-۲. نگاره «مُباهله» نسخهٔ «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»

این نگاره «مُباهله» موضوع «مباهله» بر اساس آیات قرآنی و مُستندات تاریخی صدر اسلام را که میان اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مسیحیان نَجران رخ داده به‌نمایش گذاشته است(تصویر۲). پس از اینکه خدای سبحان به رسولش دستور «مباهله»[1] با مسیحیان نَجران را داد، قرار بر این شد که هر دو گروه با فرزندان و همسران خود به محل تعیین‌شده بیایند و برای نابودی اهل باطل دعا کنند. هنگامی که بزرگان نَجران مشاهده کردند،

۱. «فَمَنْ حَاجَّکَ فیه مِنْ بَعْد مَا جَاءَکَ مِنَ‌الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ‌اللهِ عَلَی‌الْکَاذِبِینَ» (آل‌عمران، ۶۱).

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عزیزترین نزدیکان خود را برای این کار راهی میدان کرده است، به صدق ادعای او پی برده و از مباهله منصّرف می‌شوند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اگر ادعای رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بی‌اساس بود، هیچ‌گاه در صحنه‌ای که قرار است همراهان ایشان لعن و نفرین شوند، اهل بیت خویش را سپر بلای خود قرار نمی‌داد(ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج۴: ۳۶۱).

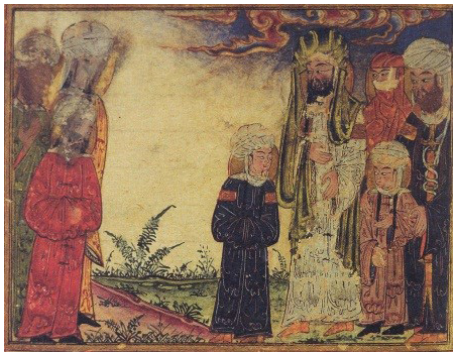

(تصویر۲) نگاره «مباهله»، نسخه «آث ارالباقیه عن القرون الخالیه»، اوایل قرن۸ ق،
محل نگهداری کتابخانه دانشگاه ادینبورگ، (www.pinterest.com)

در نگاره «مُباهله»، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارای لباس و دستاری سپید و عبایی سبزرنگ است و سفیدی لباس ایشان نشان پاکی است. رسول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حالی که دست راستش را به طرف سینه برده در حال گفت‌وگو با مسیحیان نجران است، زیرا یکی از آن‌ها نیز دستش را بالا برده و احتمالا با حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در حال مصالحه است. حضرت علی علیه‌السلام نیز دارای پوشش سرمه‌ای‌رنگ و دستار سفیدرنگی بر سر است و دنباله دستارش بر روی شانه‌اش قرار گرفته و در دستش ذوالفقار را نگه‌داشته است. پشت سر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بانویی با پوشش و روبند نارنجی ایستاده است که بنا بر روایات مُباهله حضرت زهرا علیهاالسلام است.(این تصویر از جمله اولین نگاره‌هایی است که زنان را با حجاب کامل نشان داده است.) جلوی حضرت علی علیه‌السلام، کودکی با لباس صورتی و دستاری سفید ایستاده و کودکی که احتمالا امام‌حسن علیه‌السلام است، نیز روبه‌روی امام‌حسین علیه‌السلام ایستاده و صورتش رو به بالا و در حال شنیدن گفت‌وگوهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با مسیحیان ترسیم شده است. در این تصویر تمام افراد دارای هاله نورانی هستند که این موضوع متاثر از نگارگری این دوره است که هاله را برای

چهرۀ همه اَعم از مقدس و غیرمقدس رسم می‌کرده‌اند، اما بر گرد چهرۀ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر دستار و هاله‌ای نورانی، عبای سبزرنگی نیز ترسیم شده‌است. احتمالا نگارگر به این طریق خواسته برتری و سیادت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر امت اسلامی و مقام شامخ‌شان را تاکید کند و به احتمال زیاد انتخاب رنگ سبز برای ایشان می‌تواند مبین عصمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز باشد. همچنین می‌تواند اشاره‌ای بر «حدیث‌کساء» و نزول «آیۀ تطهیر» دربارۀ اهل بیت علیهم‌السلام باشد. در این تصویر ظاهرا از عناصر بصری برای بازنمایی محل «مباهله» که به اعتقاد برخی در نقطه‌ای خارج از شهر مدینه و در دامن صحرا و کنار کوه مباهله بوده، استفاده شده است. آسمان آبی‌تیره با ابرهای حلقوی طلایی بر بالای سر آل‌کساء علیهم‌السلام سایه افکنده است. احتمالا وجود این ابرها نشانۀ رحمت الهی است که با وجود اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ظاهر شده‌اند. «مباهله» علاوه بر اینکه موجب اثبات حقانیت اسلام در برابر سایر ادیان الهی و بیان فضایل علی علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام است، بدین طریق جانشینان برحق رسول‌خدا در قرآن را برای مسلمانان مشخص می‌کند و این مهم‌ترین و اصلی‌ترین سند تاریخی برای مسئلۀ جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

روزی مأمون به امام رضا علیه‌السلام گفت: بزرگ‌ترین فضیلت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که قرآن بر آن دلالت دارد، چیست؟ حضرت رضا علیه‌السلام به او فرمود: «فضیلتی که در مباهله است؛ زیرا خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» طبق این آیه، امیرالمومنین علی علیه‌السلام نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. از طرفی می‌دانیم که هیچ یک از مخلوقات خداوند سبحان، بزرگوارتر و برتر از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست؛ پس لازم است که به حکم خدا هیچ کس برتر از نفس پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نباشد»(مجلسی،۱۴۰۳ق، ج۴۹: ۱۸۸).

۲-۳-۳. نگاره «مَسیلمۀ کذاب» نسخۀ «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»

مهم‌ترین مسئله دربارۀ تعیین پیشوای دینی، انتصابی بودن آن از جانب خداوند است؛

چراکه جانشین می‌بایست اوامر و نواهی الهی را برای مردم بیان نماید و اهمیت این موضوع می‌طلبد که تعیین فردی از جانب خداوند باشد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به فرمان الهی جانشین خود، علی علیه‌السلام را تعیین کرد، ولی برخی همچون مَسیلمهٔ کذّاب پذیرش اسلام و پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را مشروط به کسب جانشینی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته‌اند.

در این نگاره حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله با جامهٔ سبزرنگ و دستاری سپید در جمع یاران و اهل بیت‌شان به حالت چهارزانو بر تختی با نقوش گیاهی نشسته است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با سیمای تمام‌رخ و گرد ماه‌گون و هاله‌ای بر گرداگرد چهره‌اش و از نمایی کاملا روبه‌رو به‌تصویرکشیده شده است و برای نمایش رتبهٔ معنوی بالاتر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ایشان را در سطح بالاتر نسبت به سایر افراد ترسیم کرده‌اند(تصویر۳). در سمت چپ ایشان امام علی علیه‌السلام که ذوالفقار در دستشان است، امام حسن و حسین علیهماالسلام قرار گرفته‌اند. لبه‌های شمشیر حضرت علی علیه‌السلام به سمت فرستادگان است و احتمالا اشاره‌ای به دشمنی آن‌ها در مقابل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد (یا اینکه آن بخش از این داستان را نمایش می‌دهد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از ابراز عقیده فرستادگان مسیلمه فرمود: «به خدا سوگند اگر ناپسند نبود که فرستادگان را به قتل برسانند، اکنون گردن‌تان را می‌زدم») و بر فراز سر رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت ایشان ابر رحمت ترسیم شده است.

(تصویر۳) نگاره «مَسیلمهٔ کذاب» نسخهٔ «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»، اوایل قرن۸ ق،
محل نگهداری کتابخانه دانشگاه ادینبورگ. (www.pinterest.com)

اگرچه در اکثر روایاتی که راجع به مسیلمه ذکر شده دربارۀ اهل بیت علیهم‌السلام در آن محفل سخن نگفته‌اند، ولی احتمال دارد هنرمند برای تاکید بر جانشینان برحق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (طبق «آیۀ اولی‌الامر») علی و حسنین علیهم‌السلام را نزدیک‌ترین افراد به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ترسیم کرده است. همان طور که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در جواب مسیلمه نوشت: «از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسیلمۀ کذاب، زمین برای خداست و آن را به هر که از بندگانش بخواهد، میراث دهد و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است»(طبری، ۱۳۶۳، ج٤ : ۱۲۷٤)؛ بنابراین در این نگاره با ترسیم اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تاکید شده است، تنها کسانی که شریک در امر رسالت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند و جانشینان برحق اویند و می‌توانند ادامه‌دهنده راه ایشان باشند، فقط اهل‌بیت ایشان هستند که به امر الهی برای جانشینی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله تعیین شده‌اند. علامه حلّی معتقد است که جانشینی و امامت پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای شخصی به نیابت از رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله ثابت است(علامه حلی،۱٤۲۷ق: ۸۸) و از جمله مقاماتی است که خداوند آن را جعل کرده و به افرادی که لایق آن باشد، واگذار می‌نماید، نه همه انسان‌ها. به نظر علامه، به حکم عقل نصّب امام از جانب خداوند واجب باشد، چون ما می‌دانیم که اگر برای مردمان رئیس مفترض‌الطائه و راهنمای معصوم در کار باشد، به صلاح نزدیک و از فساد دورتر خواهند بود»(همان: ۸۹).

۲-۳-٤. نگارۀ «غدیر خم» نسخۀ «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»

روز ۱۸ ذی‌الحجه سال ۱۰ قمری در بازگشت از «حجه‌الوداع» و در منطقۀ «غدیر خم» از جانب خداوند جبرئیل با آخرین پیام الهی فرود آمد.[۱] به اذن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همۀ حجاج در آنجا گرد هم آمدند و از جهاز شتران منبری ساختند تا پیام الهی بدون اتلاف وقت به مردم ابلاغ شود. پس از نماز ظهر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر فراز جایگاهی که اصحاب برایش فراهم آورده‌اند، بالا رفت و علی علیه‌السلام را نیز فراخواند تا در کنارش بایستد. پس از «خطبۀ غدیر» حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله با دستش علی علیه‌السلام را بلند کرد تا حدی که پای آن حضرت موازی زانوی

۱. «یَا أَیُّهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ مَاأُنزِلَ إِلَیْکَ مِن رَّبِّکَ وَإِن لَّمْتَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُکَ مِنَالنَّاسِ إِنَّاللهَ لَایَهْدِی الْقَوْمَالْکَافِرِینَ» (مائده،۶۷)

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و همه مردم او را شناختند(انصاری، ۱۳۸٤: ۳۵). سپس فرمود: «انَ اللهَ مَولایَ و أنا مَولی المؤمنینَ و أنا أولی بهم مِن أنفُسِهِم فَمَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلیٌّ مَولاه» و فرمود: «علی بایست که من پس از خویش تو را به‌عنوان امام و هادی امت پسندیدم»(حر عاملی، ۱٤۲۵ق، ج۳: ۲۰۰). پس از نزول «آیهٔ اکمال»[۱]، صحابه برخاستند و امیرالمومنین علی علیه‌السلام را بر این منصّب تهنیت گفتند و با وی مصافحه نمودند.

در نگارهٔ «غدیر خم»، رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله دارای جامه‌ای سپیدرنگ و عبایی سیاه و دستاری سفیدرنگ است و سفیدی لباس ایشان نشان پاکی و یادآور لباس احرام حجاج و علی علیه‌السلام دارای لباس سرمه‌ای رنگ و دستاری سفیدرنگ است و دنبالهٔ دستارش بر روی شانه‌اش قرار گرفته و در دستش ذوالفقار را نگه داشته و هاله‌ای نورانی چهره‌اش را احاطه کرده‌است(تصویر٤). احتمال دارد نحوهٔ بستن عمامهٔ امیرالمومنین علی علیه‌السلام نمایشگر سنت عربی باشد که با جانشینی رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله ارتباط دارد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دست خویش را بر شانهٔ علی علیه‌السلام نهاده و او را به امت اسلامی معرفی می‌کند. پشت علی علیه‌السلام فردی با جامه نارنجی‌رنگ و دستار سفیدرنگ ایستاده که حالت دستارش از سایرین متفاوت است و همچنین دو نفر با پوشش صورتی و سرمه‌ای‌رنگ در جانب راست رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفته‌اند که فرد صورتی‌پوش دست راستش را به جلو دراز کرده است. ظاهرا این صحنه نشان‌دهندهٔ آن بخش از ماجرای «غدیر خم» است که خطبه «غدیر» به پایان رسیده و حاضران در حال بیعت و تهنیت گفتن به امیرالمومنین علی علیه‌السلام هستند و احتمال دارد این سه نفر شیخین باشند؛ زیرا آن‌ها از نخستین افرادی بودند که به حضرت علی علیه‌السلام این انتصاب الهی را تبریک گفته‌اند. بر اساس نگارگری این دوره هالهٔ نورانی برای چهرهٔ همه اعم از مقدس و غیرمقدس رسم شده است و احتمال دارد نگارگر علاوه بر دستار، با رسم عبای سیاه برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خواسته برتری این عبای سیاه که نشان سیادت ایشان بر امت اسلامی و مقام شامخ شان است، تاکید کند.

۱. « ... الیوم یئس‌الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون ألیوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم‌الاسلام دینا ...» (مائده،۳)

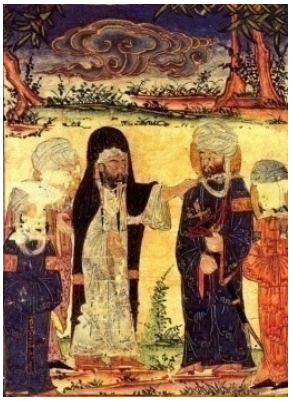

(تصویر٤) نگاره «غدیرخم»، نسخهٔ «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»، اوایل قرن۸ق،
کتابخانهٔ ادینبورگ. (www.pinterest.com)

منظره‌پردازی این نگاره بسیار ساده است و عوامل بصری که نشان‌دهندهٔ ماجرای غدیرخم باشد به غیر از چشمه‌ای به رنگ سبزروشن که در کنار پای حاضرین در جریان است، وجود ندارد که به برکت آن سبزه‌هایی به صورت پراکنده در منطقه روییده است. در پس‌زمینه نگاره، تپه‌ای بریده‌بریده با بوته‌های سبز و پراکنده چند درخت در امتداد افق ترسیم شده است. نمایش ابر در بالای سر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و علی‌علیه‌السلام حاکی از تقدس وجود ایشان است. چنان‌که بر اساس روایات در اکثر مواقع ابری بر فراز سر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله ظاهر می‌شده است. همچنین احتمال دارد وجود این ابر نشان رحمت الهی باشد را که نگارگر خواسته اتمام نعمت در این روز در کنار اکمال دین که جانشینی امیرالمومنین علی‌علیه‌السلام است، نشان دهد. این نگاره آن بخش از ماجرای «غدیر خم» را به نمایش گذاشته است که امّت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به علی‌علیه‌السلام به دلیل انتخاب الهی برای جانشینی رسول اللهصلی‌الله‌علیه‌وآله در حال تهنیت و شادباش گفتن هستند.

انتخاب علی‌علیه‌السلام به‌عنوان جانشین پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در مراسم «غدیر خم»، یکی از اصول اساسی عقاید شیعه امامی است که ذاتا با عصمت اهل بیت‌علیهم‌السلام ارتباط دارد(shani, 2005: 289). فقط انتخاب صریح (نصّ) می‌تواند مشخص کند که چه کسی امام جامعه بعد

از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهد شد. علامه حلّی از طریق تفسیر آیهٔ «اولی‌الامر» [۱] اظهار می‌کند در «غدیر خم» حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از انتخاب الهی علی علیه‌السلام، با انتخاب حسنین علیهماالسلام به نصب امامانی که در مرجعیت (صاحب اختیار) بعد از او ثابت‌قدم (تزلزل ناپذیرند) هستند، پرداخت(همان).

۲-۳-۵. نگاره «در معراج حضرت رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله» نسخه «خمسه نظامی»

از مهم‌ترین مضامینی که در حوزهٔ هنر اسلامی بدان پرداخته شده، مضمون معراج است. اهمیت این موضوع از سویی به دلیل قابلیت ایجاد فضایی فرازمینی در آثار هنری و از سوی دیگر به‌خاطر اهمیت و عظمت واقعه است تا حدی که برخی اعتقاد به معراج را از ضروریات دین می‌دانند و تکذیب آن را تکذیب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله تلقی می‌کنند(مجلسی،۱۴۰۳ق، ج۱۸: ۳۱۲، ح۲۳) و بر اساس روایتی از امام صادق علیه‌السلام منکر معراج از شمار شیعیان بیرون می‌دانند(همان، ح۲۲). آیاتی که به معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره دارند، آیهٔ اول سورهٔ «اسراء» [۲] است که به بخش اول معراج از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی و آیات ۱۳-۱۸ سورهٔ «نجم» [۳] بر بخش دوم معراج حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله یعنی سیر آسمانی و رسیدن به سدره‌المنتهی و مقام قاب قوسین الهی دلالت دارد.

در این نگاره، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله با قبای بلند قهوه‌ای و عمامهٔ سفید و گیسوان باریک و بلند و آویخته که انتهای آن را باد به سویی کشانیده، مصور شده‌اند(تصویر۵). چهرهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در نمای سه‌رخ و با حرکت نمادین دست‌ها رو به سینه مشاهده می‌گردد. براق با تاج مرصع و زرین بر سر و طوقی ظریف بر گردن در جهت مایل رو به پایین حرکت می‌کند و ظاهرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در حال مشاهده شگفتی‌های خلقت خداوند و رازهای نهفته در آسمان هستند. در

۱. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوااللهَ وَ أَطِیعُواالرَّسُولَ وَ أُولِی‌الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی‌اللهِ وَالرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ‌الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلاً» (نساء، ۵۹)
۲. «سُبْحَانَ‌الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِالْحَرَامِ إِلَی‌الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بَارَکْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ‌الْبَصِیرُ» (اسراء، ۱)
۳. «وَ لَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَی*عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَی*عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَی*إِذْ یَغْشَی السِّدْرَةَ مَا یَغْشَی*ما زاغَ الْبَصَرُ وَ ما طَغَی*لَقَدْ رَأَی مِنْ آیاتِ رَبِّهِ الْکُبْرَی»(نجم، ۱۸-۱۳)

این تصویر، علاوه بر اینکه هالهٔ شعله‌سان چهرهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را فراگرفته‌است، هاله‌ای از نور نیز اطراف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و براق را پوشانده است. هاله‌های نورانی که از نور دور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ناشی شده، بخش وسیعی از فضای نگاره را به خود اختصاص داده‌اند و آسمان لاجوردی با ستاره‌های کوچک به شکل نقطه‌های منور مجسم شده‌است. دوازده فرشته با نمای چهرهٔ سه‌رخ، آرایش گیسوان یکنواخت، بال‌های ظریف و بلند در اطراف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و در میان هاله‌های نورانی، احتمالا خبر عروج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به یکدیگر خبر داده و حضرت را مشایعت می‌نمایند. دو فرشته بالای سر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله حلقه‌ای نور در دست گرفته و رو به سوی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله دارند. احتمالا این دوازده فرشته، نمادی از جانشینان برحق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند که خداوند در شب معراج خبر جانشینی آن‌ها را به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله داده است.

در قسمت پایینی نگاره، نمایی از شهر مکه، خانه‌های پیرامون آن، مسجدالحرام و کعبه و بناهای مربوطه همچون مقام ابراهیم، حجر اسماعیل و ... با عناصر معماری ظریف و زیبا چون گنبدها، مناره‌ها، آجرکاری‌های ظریف بناها همراه با صخره‌های قهوه‌ای رنگ به‌نمایش درآمده است. این نگاره صحنهٔ آغاز عروج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از مسجدالحرام به تصویر کشیده است که از ابتدا فرشتگان ایشان را مشایعت می‌نمایند. در این نگاره آیهٔ اول سورهٔ «اسراء» را که به بخش اول معراج از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی است به نمایش کشیده است. کتیبه‌ای ٤ ستونی با اشعاری از مخزن‌الاسرار خمسه نظامی که این سفر آسمانی را توصیف می‌نماید، در بخش فوقانی نگاره مشاهده می‌گردد.

(تصویر ۵) نگاره «در معراج حضرت رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله»، خمسه نظامی، قرن ۹ ق، موزه بریتانیا (شین دشتگل، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

۲-۳-۶. نگارۀ «معراج» نسخۀ «خمسه نظامی»

نگاره‌های متعددی با مضمون«معراج» در دورۀ تیموری ترسیم شده که از آن جمله، به نگارۀ «معراج» در خمسه نظامی درسال ۸۴۵ قمری می‌توان اشاره نمود. در این تصویر، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌صورت شمسه‌ای طلایی که نام «محمد» در مرکز آن نگاشته‌شده و اطراف آن هم با دوازده دایره تزیین شده، به‌نمایش درآمده است(تصویر۶). در این نگاره به‌جای ترسیم پیکر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، خورشید زرینی که بیانگر عظمت و نور محمدی است، مصور شده است. این شمسه در آسمانی لاجوردی با ستارگان کوچک و طلایی‌رنگ مشاهده می‌گردد. با وجود ترسیم آسمان به نشانه مکان روی‌دادن واقعه و رنگ لاجوردی به نشانه زمان معراج، از آنجا که به آسمان، در تفکر بشر به‌خاطر عظمت و گستردگی‌اش، همواره به‌عنوان جایگاهی فراتر از وقایع مادی و قیود مکانی اندیشیده شده‌است، به‌ویژه آسمان در شب، همیشه ساحتی رازآلود و ابهام‌آمیز داشته است. نگارگر با توجه به روایات و احادیث پیرامون معراج از هر دو نشانه آسمان و شب، برای بیان هنری خویش بهره برده است. جبرئیل با لباس قرمزرنگ و هاله‌ای مدور بر گرد چهره‌اش، پرچم سیاه‌رنگی در دست دارد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در این سفر الهی راهنمایی می‌نماید. رنگ سیاه پرچم احتمالا نمادی از هفتمین مرحله عرفان است. سایر فرشتگان همراه نیز با لباس‌های رنگین و آرایش یکنواخت موها سوار بر هاله‌هایی از نور ترسیم شده‌اند و فقط سرهای‌شان دیده می‌شود.

(تصویر۶)نگاره «معراج»، خمسه نظامی، قرن۸۴۵ق، کتابخانه موزه توپقاپی سرای استانبول
(www.pomegra.wordpress.com)

در بسیاری از منابع مذهبی و ادبی، خورشید(آفتاب) را نماد پیامبر اسلام بیان شده است. نقش شمسه برای تشابه و القای قداست پیکر حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله در میان فرشتگان تسبیح‌گوی ترسیم شده و نمادی از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله است و ۱۲ دایره موجود در حاشیه آن را نیز می‌تواند نشانی از دوازده امام دانست و اشاره‌ای بر این نکته دارد که رسالت دین اسلام بعد از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بر عهده جانشینان صالح وی است. البته ظهور ائمه‌علیهم‌السلام در جایگاه بهشتی بی‌سابقه هم نیست.

روایات «معراج» که توسط نویسندگان شیعی نوشته شده‌اند، گزارش می‌دهند که حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله معصومین علیهم‌السلام را در کنار عرش الهی رویت کرده‌اند. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: در کنار عرش خداوند باری‌تعالی از من پرسید: «یا محمد، آیا دوست داری علی و فاطمه و حسنین و امامان از فرزندان حسین را ببینی؟ عرض کردم: بلی یا رب. خداوند فرمود: به سمت راست عرش توجه کن. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «از آن مقام بالا توجهی به طرف راست عرش کردم و در هاله‌ای از نور، علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمدبن علی و جعفربن محمد و کاظم بن جعفرو علی بن موسی و محمدبن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را دیدم که ایستاده و مشغول نماز هستند و حضرت مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بین آنان مانند ستاره درخشان نور می‌داد»(ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج۱: ۲۵۲). برای تاکید بر عظمت جایگاه ائمه اطهارعلیهم‌السلام و در روایتی آمده است که خداوند در جریان «معراج» ائمه‌علیهم‌السلام را به پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله نشان داد، در حالی‌که غرق در نور بودند. این نگاره آیات۱۳-۱۸ سورهٔ «نجم» که بر بخش دوم معراج حضرتصلی‌الله‌علیه‌وآله یعنی سیر آسمانی و رسیدن به سدره‌المنتهی و مقام قاب قوسین الهی دلالت دارد به‌تصویر کشیده است.

۲-۳-۷. تك نگارهٔ «حکایت سه مذهب یکتاپرستی بزرگ»

در این نگاره تک‌ورقی، در پیش‌زمینه و مرکز نگاره، تخت‌گاهی مشاهده می‌گردد که حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله با روبندی بر چهره و هالهٔ شعله‌سان بر تخت جلوس نموده است و

دو کودک در دو جانب ایشان با لباس‌های سبز و قرمز که نمادی از حسنین علیهما‌السلام هستند ترسیم شده‌اند و در سمت راست جایگاه، فردی با لباس آبی‌رنگ که اکثرا سمتی است که وزار در آن سو می‌نشینند، نشسته‌است که احتمال دارد حضرت علی علیه‌السلام، وصّی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد(تصویر۷). لباس حضرت امیر علیه‌السلام و تکیه‌گاهی که در جایگاه رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار دارد، هم‌رنگ ترسیم شده است و احتمال دارد، نمادی از جانشینی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله توسط علی علیه‌السلام باشد. اطراف تخت‌گاه و حضرت‌علی علیه‌السلام را هاله‌ای زرین و یکپارچه فراگرفته است که نشان از تقدس این چهار نفر در نزد عالمیان دارد.

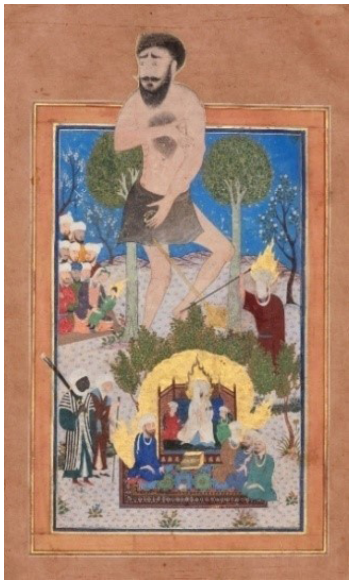

(تصویر۷) نگاره «حکایت سه مذهب یکتاپرستی بزرگ»، اوایل قرن۹ق،
(شایسته‌فر، ۱۳۸٤: ٦۹).

در پشت سر امام علی علیه‌السلام دو نفر ایستاده‌اند که می‌تواند نمودی از متابعت این افراد از حضرت علی علیه‌السلام باشد. یکی از آن‌ها که با ذوالفقار در دستش ایستاده، قنبر است و پیرمرد کنار وی که عصایی در دست دارد، احتمالا سلمان فارسی است. در مقابل امام علی علیه‌السلام و در سمت چپ جایگاه سه نفر نشسته‌اند و ظاهرا این سه، خلفای پیش از امیرالمومنین‌علی علیه‌السلام هستند. همه افراد و تخت‌گاه بر روی فرش ترسیم شده‌اند و تعدادی

درخت پشت هالۀ زرین و جایگاه قرار دارند. در سمت راست و پشت جایگاه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، زنی با فرزندی در بغل در صف مقدم عده‌ای بر روی زیراندازی نشسته است که اطراف چهره کودک را هالۀ شعله‌سان فراگرفته است که این دو حضرت مریم علیهاالسلام و حضرت عیسی علیه‌السلام هستند که پیروان‌شان در پشت سر ایشان ترسیم شده‌اند. در سمت چپ و پشت تخت‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام و یارانشان، فردی با لباس زرشکی و روبندی بر چهره و هالۀ زرین به‌نمایش درآمده است که با عصای خویش بر پای فردی غول پیکر می‌زند. بر اساس روایات، این فرد با چهره پوشیده حضرت موسی علیه‌السلام است که عوج بن عنق را با ضربه عصا می‌کشد. هنرمند برای نمایش درشتی و بزرگی هیکل عوج بن عنق، او را در میان دو درخت تنومند ترسیم کرده که قد وی از درختان نیز بلندتر است و از قاب نگاره خارج شده است. درختان پرشکوفه‌ای در این نگاره مشاهده می‌گردد که احتمالا به‌دلیل حضور سه پیامبر الهی یا این‌که ختم نبّوت و مشخص‌شدن امامت ترسیم شده است.

در این نگاره افرادی که به مقام امامت نائل شده‌اند [1] و دارای عصمت هستند، حضرات موسی علیه‌السلام، عیسی علیه‌السلام، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی علیه‌السلام و حسنین علیهماالسلام هستند که با روبند و هالۀ شعله‌سان به‌نمایش درآمده‌اند، زیرا بر اساس روایات پیامبران الوالعزم نیز علاوه بر مقام نبّوت به مقام امامت نائل شده‌اند. [2]

۲-۳-۸. نگارۀ دو صفحه‌ای «بهشتیان و دوزخیان» (اصحاب اعراف) نسخه «گلچین اسکندر سلطان»

با توجه به ویژگی‌های این نگاره، اثر مذکور می‌تواند، از آثار متقدم دوره تیموری باشد که نشانه‌های آمیخته با باورهای شیعی در آن پدیدار است. این تصویر صحنه‌ای از قیامت را که انسان‌ها برای حسابرسی اعمال و پاداش و جزای متناسب با اعمال‌شان جمع می‌شوند و گواهانی وجود دارند که شاهد اعمال ما بوده و در صحرای محشر شهادت

۱. . «وَاِذْ ابتلی اِبراهیمَ ربّه بِکَلمات فأتمهنّ قالَ اِنّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ اِماماً قالَ وَمِنْ ذُرّیتی قالَ لایَنال عَهدیالظّالمین»(بقره،۱۲۴)
۲. مطابق این روایت روشن می‌شود که حداقل پیامبران اولوالعزم امام بوده‌اند که در روایت زیر، پیامبران اولوالعزم معرفی شده‌اند: امام باقر علیه‌السلام از پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل فرمودند: پیامبران اولوالعزم پنج تن هستند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله(مجلسی،۱۴۰۳ق، ج۲۷ :۶).

می‌دهند به‌نمایش گذاشته است.

قیامت بنا بر آموزه‌های اسلامی نام روزی است که تمام انسان‌ها به خواست الهی برای محاسبه اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند، در پیشگاه الهی جمع می‌شوند. از این‌رو، به قیامت کبری نیز یاد می‌شود. برای محاسبه اعمال انسان، علاوه بر اعمالی که به‌صورت مجسم و عینی در پیش چشم او قرار دارد، نامه اعمال انسان که تمام اعمال انسان در آن ضبط شده به او داده می‌شود و گواهانی نیز که شاهد اعمال انسان بوده‌اند، برای شهادت دادن وجود دارند که از آن جمله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله[۱] و امامان معصوم علیهم‌السلام[۲] هستند و اعمال انسان در آن روز با پیشوایان دینی (پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امامان علیهم‌السلام و صالحان) سنجیده می‌شود و کسی که اعمال و اعتقاداتش شباهت بیشتری با اعمال و اعتقادات ایشان داشته باشد، سعادتمندتر خواهد بود. بر این اساس، شرط ورود به بهشت داشتن ولایت ائمه علیهم‌السلام است.[۳] از این رو، انسان‌ها در روز قیامت بر اساس اعمال خویش و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام محشور می‌شوند.

در این نگاره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی و حسنین علیهم‌السلام در هاله‌هایی از نور در بخش مرکزی تصویر بهشتیان از این نگاره دو صفحه‌ای ترسیم شده‌اند(تصویر۸). نحوهٔ پوشش همهٔ آن‌ها به یک شکل است و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به افرادی که در نگاره روبرو حضور دارند، در حال گفت‌وگو هستند و آن‌ها دست استمداد به سمت ایشان و اهل بیت علیهم‌السلام دراز کرده‌اند. فرشته‌ای در سمت راست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ایستاده و چهار فرشته دیگر در هاله‌های نور در حال پروازند و در قسمت پایین این نگاره عده‌ای از بهشتیان با یکدیگر درحال گفت‌وگو هستند و از جهت نگاه و حرکات دست‌شان مشخص است که دربارهٔ مردمی که منتظر نتیجهٔ داوری در روز جزا هستند، صحبت می‌کنند. این‌ها احتمالا پیامبران و اولیای الهی هستند که تشابه جامه‌ها و نحوه عمامه بستن‌شان نمایانگر پیروی و متابعت ایشان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان ایشان است. در نگاره صفحه روبه‌رو که به نگاره جهنمیان مشهور

۱. «فَكَيْفَ إِذاجِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهيد وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَهيداً»(نساء،۴۱)
۲. وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى‌اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ‌الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِماكُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»(توبه،۱۰۵)
۳. چنان که خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «ولایه علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» (ابن بابویه،۱۳۷۸،ج۲: ۱۳۶).

است، در حالی‌که نشانگر قسمتی از صحنه جهنم و اعراف است، در قسمت بالایی این نگاره، جهنمیان درحال طلب استمداد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اولیاءالله هستند و عده‌ای که در قسمت پایین ترسیم شده‌اند، احتمالا کسانی هستند که در اعراف منتظر مشخص‌شدن نتیجه اعمال‌شان هستند و از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام و اولیاءالله که در اعراف حضور دارند، درخواست شفاعت و یاری دارند و تعدادی نیز به سجده افتاده‌اند.

(تصویر۸) نگاره «دوصفحه ای «بهشتیان و دوزخیان»(اصحاب اعراف)، نسخه گلچین اسکندرسلطان، قرن۹ق، گلبنگیان لیبسیون (www.brill.com).

اعراف، جایگاه میان بهشتیان و دوزخیان است و بر اساس آیات قرآن، بر فراز اعراف مقربانی هستند که به اذن خدا شفاعت می‌کنند. از منظر علامه طباطبایی اعراف قسمت‌های بالای حائلی است که میان اهل دوزخ و اهل بهشت قراردارد، به‌گونه‌ای که اعرافیان در آنجا هم دوزخیان و هم بهشتیان را می‌بینند(طباطبایی،۱۳۷۸،ج۸ : ۱۵۲). البته با توجه به آیات قرآن در قیامت سطح زمین صاف و مسطح است و بنابراین، منظور از این بلندی، مقام بلند افرادی است که در آن‌جا مقام شفاعت دارند. در این نگاره، نیز دقیقا توصیفات قرآن از اعراف مشاهده می‌گردد. برخی از عالمان متاخر، اعراف را همان حائل یادشده در آیهٔ ۱۳ «سورهٔ حدید» [۱] دانسته‌اند که خداوند در آخرت میان مومنان و

۱. «یَوْمَ یَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالْمُنافِقاتُ لِلَّذِینَ آمَنُوا انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ قِیلَ ارْجِعُوا وَراءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فِیهِ الرَّحْمَةُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ»(حدید،۱۳)

منافقـان قـرار می‌دهـد و آن حائـل دروازه‌ای دارد کـه باطـن آن مشـرف بـر بهشـت اسـت و ظاهـر آن روی بـه جهنـم دارد کـه در ایـن نـگاره باطـن اعـراف در نـگاره سـمت راسـت نمایش داده شـده و در قسـمت بـالای نـگاره سـمت چـپ، ظاهـر اعـراف یعنـی جهنـم ترسـیم شده‌اسـت. طبـق برخـی روایـات، در اعـراف دو گـروه وجـود دارنـد، بـه ایـن معنـا کـه در اعـراف هـم افـرادی وجـود دارنـد کـه اعمـال خـوب و بـد آن‌هـا به‌گونـه‌ای اسـت کـه نـه لیاقـت بهشـت را پیـدا کرده‌انـد، نـه جهنم(کـه در بخـش پایینـی نـگاره سـمت چـپ ترسـیم شـده‌اند) و هـم پیامبـران و ائمـه علیهم‌السلام هسـتند کـه بـرای کمـک بـه آن‌هـا در اعـراف حضـور دارند(کـه آن‌هـا در تصویـر سـمت راسـت به‌نمایـش درآمده‌انـد.)

قسـمت پایینـی نـگاره سـمت چپ (مشـهور به نـگاره جهنمیان) آیـات٤٦-٤٧ «سـورۀ اعـراف»[1] را بـه تصویـر کشـیده اسـت، طبـق ایـن آیـات، افـرادی کـه در اعـراف قـرار دارنـد، چنیـن معرفـی شـده‌اند کـه آرزو دارنـد، وارد بهشـت شـوند، ولـی توانایـی آن را ندارنـد. اینـان هنگامی‌کـه نـگاه بـه بهشـتیان می‌کننـد بـر آن‌هـا درود می‌فرسـتند و می‌خواهنـد بـا آن‌هـا باشـند و وقتـی کـه نظر بـه دوزخیـان می‌افکننـد از سرنوشـت آن‌هـا وحشـت نمـوده و بـه خـدا پنـاه می‌برنـد. همچنیـن نـگاره بهشـتیان بـر اسـاس آیـات٤٨-٤٩ «سـورۀ اعـراف»[2] ترسـیم شـده اسـت. شـیخ صـدوق معتقـد اسـت کـه اعـراف دیـواری میـان بهشـت و جهنـم اسـت و اصحـاب اعـراف بـه سیمایشـان شـناخته می‌شـوند و آن‌هـا جـزو پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اوصیـای ایشـان نیسـتند. کسـی وارد بهشـت نمی‌شـود، مگـر اینکـه آن‌هـا را بشناسـد یـا آن‌هـا او را بشناسـند و کسـی وارد جهنـم نمی‌شـود، مگـر کسـی کـه آن‌هـا را انـکار کنـد یـا آن‌هـا او را انـکار کننـد. در اعـراف، افـراد بـه فرمـان خداونـد واگـذار می‌شـوند؛ یـا آن‌هـا را مجـازات می‌کنـد یـا توبـه آن‌هـا را می‌پذیرد(ابـن بابویـه،١٤١٤ق: ٧٠). ابن‌عربـی دربـاره اصحـاب اعـراف گفتـه اسـت: «آن‌هـا کسـانی هسـتند کـه حسـنات و سیئات‌شـان مسـاوی اسـت کـه یـک چشـم سـوی بهشـت و چشـم دیگـر بـه جهنـم دوختـه‌انـد. در حالی‌کـه بـه هیـچ کـدام بـرای آن‌هـا رجحـان نـدارد، امـا وقتـی دسـتور سـجده بـه آن‌هـا داده

۱. «وَ بَیْنَهُمـا حِجـابٌ وَ عَلَی‌الْأَعْـراف رِجـالٌ یَعْرِفُـونَ کُلاًّ بِسـیماهُمْ وَ نـادَوْا أَصْحابَ‌الْجَنَّـةِ أَنْ سَـلامٌ عَلَیْکُـمْ لَمْ‌یَدْخُلُوهـا وَ هُـمْ یَطْمَعُـونَ*وَإِذا صُرِفَـتْ أَبْصارُهُـمْ تِلْقـاءَ أَصْحابِ‌النّـارِ قالُـوا رَبَّنـا لاتَجْعَلْنـا مَعَ‌الْقَوْمِ‌الظّالِمینَ»(اعـراف۴۶-۴۷)
۲. «وَ نـادی أَصْحابُ‌الأَعْـراف رِجـالاً یَعْرِفُونَهُـمْ بِسـیماهُمْ قالُـوا ماأَغْنـی عَنْکُـمْ جَمْعُکُـمْ وَ ماکُنْتُـمْ تَسْـتَکْبِرُونَ*أَهؤُلاءِالَّذینَ أَقْسَـمْتُمْ لایَنالُهُـمُ‌اللهُ بِرَحْمَـةٍ ادْخُلُواالْجَنَّـةَ لاخَـوْفٌ عَلَیْکُـمْ وَ لاأَنْتُـمْ تَحْزَنُونَ»(اعـراف،۴۸-۴۹)

می‌شود همه سجده می‌کنند و وارد بهشت می‌شوند»(ابن‌عربی، ۱۳۹۵، ج٤: ۵۱۰).

چشمه‌ای در قسمت پایین نگاره بهشتیان ترسیم شده که امتداد آن در نگاره مقابل است و درختچه و گل و بوته‌هایی در اطراف آن روییده است. ظاهرا این چشمه، حوض کوثر است که در بهشت وجود دارد. ترسیم این چشمه در دو نگاره نشان از شفاعت اولیاءالله از اصحاب اعراف دارد که منتظر شفاعت ایشان هستند. نکته جالب توجه این است که این دو نگاره نسخه گلچین اسکندرسلطان مضمون آیات ٤٦-٤٩ «سورۀ اعراف»(یعنی صحنه اعراف و وضعیت افراد آن‌ها) را به‌خوبی به‌نمایش گذاشته است و احتمالا نام این نگاره بایستی «اصحاب اعراف» نام‌گذاری شود.

۲-٤. جدول تطبیقی مولفه‌های بصری نگاره‌ها بر اساس اصول و مبانی شیعه(منبع: نگارنده)

ردیف	دوره	عنوان اثر	مضمون	مبانی شیعی	بازتاب آیات و روایات	شخصیت های اصلی	روش شمایل سازی	عناصر بصری و نمادین	نگاره ها
۱	ایلخانی	«نسب شناسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»	حدیث ثقلین	امامت، عصمت	احزاب،۳۳ (آیه تطهیر)	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی و حسنین علیهم‌السلام	واقع‌گرایی - نمادگرایی	لباس سبزرنگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام، سجاده محراب‌گون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، دو قرآن گشوده(یکی در دستان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگری بر روی رحل است)، قلم و کاغذ در دستان امام علی علیه‌السلام(نشان از تفسیر باطنی قرآن برای امام علی علیه‌السلام توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد)، وجود جبرئیل (احتمالا حامل وحی است)	

ردیف	دوره	عنوان اثر	مضمون	مبانی شیعی	بازتاب آیات و روایات	شخصیت های اصلی	روش شمایل سازی	عناصر بصری و نمادین	نگاره ها
۲	ایلخانی	«مباهله»	مباهله	امامت، عصمت	آل عمران،۶۱	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی فاطمه و حسنین علیهم‌السلام	واقع‌گرایی	حضور معصومین علیهم‌السلام (نمادی از۵تن آل‌کساء و آیه تطهیر)، کساء رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، ابر رحمت	
۳	ایلخانی	«مسیلمه کذاب»	جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله	امامت	اعراف، ۱۲۸	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی و حسنین علیهم‌السلام	واقع‌گرایی	حضور امام علی و حسنین علیهم‌السلام، ابر رحمت	
۴	ایلخانی	«غدیر خم»	جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله	امامت	مائده،۳ مائده،۶۷	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی علیه‌السلام	واقع‌گرایی	کساء مشکی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، شمشیر امیرالمومنین علی علیه‌السلام، دست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر شانه امام علی علیه‌السلام(نشان جانشینی ایشان است)، ابر رحمت	
۵	تیموری	«معراج»	جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله	امامت تداوم نبوت	اسراء،۱	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امامان	نمادگرایی	هاله نورانی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و براق را احاطه کرده‌است و هم‌چنین آسمان مکه را فراگرفته است، ۱۲ فرشته اطراف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله(نماد ۱۲ امام)	
۶	تیموری	«معراج»	جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله	امامت تداوم نبوت	نجم، ۱۳-۱۸	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امامان، جبرئیل	نمادگرایی	شمسه طلایی(نمادی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ۱۲ حلقه نورانی داخل شمسه(نمادی از ۱۲ امام)، بیرقی در دستان جبرئیل، آسمان لاجوردی با ستارگان نورانی، هاله‌هایی که فرشتگان در آن‌ها پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را مشایعت می‌کنند	

۷	تیموری	«حکایت سه مذهب یکتا پرستی بزرگ»	جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله	امامت، عصمت	بقره،۱۲۴	موسی و عیسی علیهماالسلام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی و حسنین علیهم‌السلام	نمادگرایی	جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، هاله نورانی که بر گرد چهره پوشیده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، هاله نورانی که اطراف جایگاه و امام علی علیه‌السلام را فراگرفته‌است، هاله نورانی گرد چهره مسیح علیه‌السلام، هاله نورانی و چهره پوشیده حضرت موسی علیه‌السلام	
۸	تیموری	«بهشتیان و دوزخیان» (اصحاب اعراف)	حسابرسی اعمال	شفاعت	اعراف، ۴۶-۴۹	پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی و حسنین علیهم‌السلام	نمادگرایی	هاله نورانی که اطراف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام، هاله‌های نوری که فرشتگان در آن‌ها در پروازند) چشمه‌ای در اعراف، شعله‌های اطراف جهنمیان	

۳. نتیجه‌گیری

با وجود اینکه هنر صفویان با عنوان «هنر شیعی» شهرت یافته است، اما آغاز شکل‌گیری آن بر اساس بن‌مایه‌های شیعی از دوره‌های پیشین (آل‌بویه، ایلخانی و تیموری) بوده است. بر اساس بررسی نگاره‌های دوره‌های ایلخانی و تیموری، نحوه انعکاس مفاهیم و مضامین مربوط به جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در نگاره‌ها یکسان و یک‌شکل نبوده و مهم‌ترین وجه تمایز آن‌ها را باید در نوع عناصر بصری و باورهای شیعی نهفته در نگاره‌ها جست‌وجو کرد. زیرا شناخت مضامین نگاره‌های شیعی، ارتباط آن‌ها را با مبانی اصولی شیعه مشخص می‌کند و معنا، مفهوم و دلایل انتخاب این موضوعات را بیان می‌نماید و مخاطب با مشاهده مستقیم عناصر بصری یا به‌طور غیرمستقیم و شناسایی مولفه‌های نمادین متوجه مضمون نگاره‌ها می‌گردد و در واقع از این طریق اندیشه و باور

حاکم بر هنرمند و نگاره مشخص می‌شود. بر اساس یافته‌ها، مهم‌ترین مضامین شیعی مرتبط با اهل بیت علیهم‌السلام که در نگارگری دوره‌های ایلخانی و تیموری بروز یافته‌اند شامل مضامین برگرفته از آیات قرآنی، وقایع مهم تاریخ تشیّع و باورها و آموزه‌های شیعی می‌شود و برخی از نگاره‌ها را می‌توان در سه دسته قرار داد:

۱) نگاره‌های با مضامین برگرفته از آیات قرآنی: «غدیرخم»، «مباهله»، «معراج».

۲) نگاره‌های با مضامین برگرفته از وقایع مهم تاریخ تشیّع: «غدیرخم»، «مباهله»، «معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، «مسیلمه کذاب».

۳) نگاره‌های با مضامین برگرفته از باورها و آموزه‌های شیعی: «نسب‌شناسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، «بهشتیان و دوزخیان»(اصحاب اعراف)، «حکایت سه مذهب یکتاپرستی بزرگ».

اگرچه مضمون این نگاره‌ها برگرفته از موارد فوق است، ولی مضمون اصلی آن‌ها حول اصول و مبانی شیعی ذیل قرار دارد که مبین آیات ولایی است که در لایه‌های پنهانی مولفه‌های بصری و نمادین نگاره‌ها نهفته است:

۱) نگاره‌های «نسب‌شناسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، «مباهله» و«حکایت سه مذهب یکتاپرستی بزرگ»اصل امامت و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام را به نمایش گذاشته‌اند.

۲) نگاره‌های «غدیرخم» و «معراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، «مسیلمه کذاب» اصل امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام را به تصویر کشیده‌اند.

۳) نگاره‌های «معراج» اصل امامت تداوم نبّوت را به نمایش گذاشته‌اند.

٤) نگاره «بهشتیان و دوزخیان»(اصحاب اعراف) اصل شفاعت را به تصویر کشیده است.

نگاره‌های اهل بیت علیهم‌السلام به لحاظ زیبایی‌شناسی به دو شیوه ترسیم گشته‌اند: دسته اول نگاره‌ها؛ مانند نگاره‌های «غدیرخم»، «مباهله» و «مسیلمه کذاب» به روش واقع‌گرایانه و از بعد تاریخی ترسیم شده‌اند و اغلب صراحت بیان تصویری و سادگی اجزای آن‌ها به‌خوبی مشخص است و گاه ترکیب‌بندی‌های ساده و نمادپردازی‌های صریح و قابل درک

عامـه مـردم نیـز در آن‌هـا مشـاهده می‌شـود در ایـن دوره اهـل بیـت علیهم‌السلام به‌صـورت افـراد عـادی، نـه بـا عنـوان امامـان شـیعی ظاهـر شـده‌اند؛ بنابرایـن برخـی از هنرمنـدان یـا حامیـان شـیعی مجبـور بوده‌انـد، بـا انتخـاب مضامیـن شـیعی بـرای نگاره‌هـا یـا اینکـه کاربـرد عناصرشـیعی به‌صـورت نمادیـن در نگاره‌هـا گرایش‌هـای شـیعی خویـش را به‌نمایـش بگذارنـد. همچـون نـگاره «نسب‌شناسـی پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله» کـه وجـه واقع‌گرایـی در آن غالـب اسـت و نمادهـای صریحـی و سـاده‌ای ماننـد قـرآن در دسـت پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله، قلـم و طومـار در دسـت امیرالمومنین‌علـی علیه‌السلام، رنـگ سـبز جامـه پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمـهٔ اطهـار علیهم‌السلام و ... در آن مشـاهده می‌شـود.

دسـته دوم نگاره‌هـا ماننـد «معراج»هـا، «بهشـتیان و دوزخیان»(اصحـاب اعـراف)، «حکایـت سـه مذهـب یکتاپرسـتی بـزرگ» بـه روش نمادگرایانـه به‌نمایـش گذاشـته شـده‌اند کـه فضایـی مثالـی بـا خصوصیـات زیبایی‌شناسـی خـاص خـود را بـه تصویرکشـیده‌اند تـا در ایـن دوره‌هـا اندیشـه و باورهـای شـیعه را ترویـج و توسـعه دهنـد و هنرمنـدان معـدودی بـا گرایش‌هـای شـیعی بـرای نمایـش مدلـول حقیقـی شـخصیت‌های شـیعه و بیـان حقیقـت و حقانیـت شـیعه از عناصر نمادیـن بهـره برده‌انـد، ماننـد نـگاره «معـراج» کـه پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌صـورت شمسـه طلایـی و امامـان دوازده‌گانـه به‌عنـوان جانشـینان پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌صـورت ۱۲ دایـره درون شمسـه به‌نمایـش درآمده‌انـد.

از آنجـا کـه نگارگـری متاثـر از سـاختار فکـری جامعـه اسـت، بـا تغییـر سـاختار فکـری کـه در دوره تیمـوری نسـبت بـه ایلخانـی ایجـاد می‌شـود، تمایـزی نیـز در شـیوهٔ نگارگـری ایـن دو دوره مشـاهده می‌شـود، چنان‌کـه هنرمنـدان ایلخانـی در بیشـتر نگاره‌هـای شـیعی از شـیوه واقع‌گرایانـه بـرای نمایـش مولفه‌هـای بصـری اسـتفاده کرده‌انـد و گاه در آن‌هـا نمادهـای صریـح و سـاده‌ای نیـز بـه‌کار برده‌انـد، امـا در دوره تیمـوری بـا افزایـش گرایش‌هـای شـیعه نگارگـران به‌تدریـج سـعی داشـته‌اند بـا اجتنـاب از واقع‌گرایـی و ورود بـه عرصـه نمادگرایـی، مضامیـن و شـخصیت‌های شـیعه را همان‌گونـه کـه در اندیشـه شـیعه انعکاس‌یافتـه، به‌تصویـر درآورنـد و بدیـن طریـق بسـترهای رشـد عناصـر نمادیـن نگاره‌هـای شـیعی دوره صفـوی فراهـم شـد؛ بنابرایـن، بـا توجـه بـه وجـود دو زمـان قطعـی و تقریبـی بـرای ایجـاد و رواج انـواع هنرهـا، عصـر تیمـوری را می‌تـوان زمـان تقریبـی رواج (نـه شـروع) و تـداوم حضـور مولفه‌هـای شـیعی در

هنـر ایرانـی دانسـت کـه در عصـر صفـوی بـه زمـان قطعـی مبـدل گردیـد. زمانی‌کـه از شـیوع هنرشـیعی در دورهٔ تیمـوری یـاد می‌شـود، منظـور نـه فقـط آثـار هنـری دارای آرایه‌هـای شـیعی، بلکـه شـرایط تاریخـی زمینه‌سـاز آن نیـز مدنظـر اسـت.

منابع تصویری

(تصویر۱) نگاره «نسب‌شناسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، «نسخهٔ بلعمی» (جلد اول)، قرن۸ ق، محل نگهداری گالری فریر، (www.pinterest.com) (تصویر۲) نگاره «مباهله»، نسخه «آثارالباقیه عن القرون الخالیه»، اوایل قرن۸ ق، محل نگهداری کتابخانهٔ دانشگاه ادینبورگ،
(تصویر۳) نگاره «مَسیلمه کذاب» نسخه «آثارالباقیه عن القرون الخالیه»، اوایل قرن۸ ق، محل نگهداری کتابخانه (www.pinterest.com) دانشگاه ادینبورگ،
(تصویر٤) نگاره «غدیرخم»، نسخه «آثارالباقیه عن القرون الخالیه»، اوایل قرن۸ ق، محل نگهداری کتابخانه ادینبورگ، (www.pinterest.com)
(تصویر٥) نگاره «در معراج حضرت رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله»، نسخه «خمسه نظامی»، قرن۹ ق، محل نگهداری موزهٔ بریتانیا، (شین‌دشتگل، ۱۳۸۹، ۱۵۹)
(تصویر٦) نگاره «معراج»، نسخه «خمسه نظامی»، قرن۸٤٥ ق، محل نگهداری کتابخانه موزه توپقاپی سرای استانبول، (www.pomegra.wordpress.com)
(تصویر۷) نگاره «حکایت سه مذهب یکتاپرستی بزرگ»، اوایل قرن۹ ق، (شایسته‌فر، ۱۳۸٤، ٦۹)
(تصویر۸) نگاره «دوصفحه ای «بهشتیان و دوزخیان» (اصحاب اعراف)، نسخه «گلچین اسکندرسلطان»، قرن۹ ق، محل نگهداری گلبنگیان لیبسیون، (www.brill.com)

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم*.
- *نهج‌البلاغه*.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). *نگارگری مکتب هرات*. تهران: فرهنگستان هنر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون الاخبار الرضا*. ترجمه مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- ـــــــــــــــ. (۱٤۱٤ق). *الاعتقادات*. چاپ دوم. قم: کنگره شیخ مفید.
- ـــــــــــــــ. (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم. (۱٤۱٤ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- ابن‌عربی، محمدبن علی. (بی‌تا). *فتوحات مکیه*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱٤۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- انصاری، محمدباقر. (۱۳۸٤). *ندای آسمانی غدیر*. تهران: تک.
- بحرانی، میثم بن علی. (۱۱٤۰٦ق). *قواعد المرام فی علم الکلام*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳٦۵). *هنر اسلامی زبان و بیان*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۵)، *نقاشی ایران: از دیرباز تا امروز*. تهران: زرین و سیمین.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱٤۲۵ق / ۲۰۰٤م). *اثبات الهداه بالنصّوص و المعجزات*. بیروت: اعلمی للمطبوعات.
- سعیدی‌زاده، محمدجواد؛ موسوی گیلانی، سیدرضی. (۱۳۹۳). «بررسی زمینه و علل بی‌رغبتی نگارگران مسلمان به شمایل‌نگاری پیامبر اسلام تا قبل از دوره ایلخانی». *فصلنامه نگره*. ش۳۱. صص:۳۷-٤۵.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸٤ق). *عناصر شیعی در نگارگری تیموریان و صفویان*. تهران: موسسه مطالعات هنرهای اسلامی.
- شین‌دشتگل، هلنا. (۱۳۸۹). *معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله سده‌های ۸-۱٤ ه.ق*. تهران: علمی و فرهنگی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- عکاشه، ثروت. (۱۳۸۰). *نگارگری اسلامی*. ترجمه سید غلامرضا تهامی. تهران: سوره مهر.
- علامه حلی، حسن‌بن یوسف. (۱۳۸۲). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تعلیقه جعفر سبحانی. قم: موسسه امام‌صادق علیه‌السلام.
- فاضل مقداد. (۱٤۲۷ق). *النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳٦۵). *الکافی*. ترجمه علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ـــــــــــــــ. (۱۳٦۹). *اصول کافی*. ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱٤۰۳ق). *بحارالانوار*. جلد ٤۹. ترجمه هدایت‌الله مسترحمی و همکاران. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ملک مکان، حمید؛ جوان آراسته، امیر. (۱۳۸۹). *تشیع در عراق در قرون نخستین*. تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مهدی‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۲). «نقش اندیشه شیعه در پیدایی فالنامه تهماسبی». *رساله دکتری* دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- ـــــــــــــــ. (۱۳۹٦). «بررسی روند تجلی مضامین شیعی در نگارگری ایران». *پژوهش در هنر و علوم انسانی*. ش٦.

صص:۱۳-۳۲.
ـنورانیان، رضا و دلبری، شهربانو؛ باغستانی کوزه‌گر، محمد. (۱۳۹۹). «تصویرآرایی پیامبرﷺ و امامان‌شیعی در نسخه خطی حبیب‌السیر با محوریت بحارالانوار». *مطالعات هنر اسلامی*. ش۳۷. صص:۱-۱۹.

منابع لاتین

- Alexander, David Geoffrey. (1984). *"Dhul – Fakar" PH.D Thesis*. New York University.
- Alexander, David. (1999). "Dhul – Faqar and The Legacy of The Prophet, Mirath Rasul Allah". *GladiausXIX. PP* 188 – 157.
- Shani, Raya Y. (2005). "A Pictorial Representation of the Hadith al- thaqalayn in an Ilkhanid Copy of Bal'ami's Tarjuma -yi tarikh - I Tabari in *the Freer Gallery", The Iconography of Islamic Art(Studies in Honour of Robert Hillenbrand)*. Edited by Bernard O' Kane, Edinburgh University Press. PP: 307-285.
- Soucek, P. Priscilla. "The Life of the Prophet": Illustrated Version, *in Content and Context of Visual Arts in Islamic World*, ed. Priscilla Soucek (university Park, PA,1988). PP 217-193.

منابع اینترنتی

ـمعارف، مجید. (۱۳۹۹). « بررسی جایگاه اهل بیت در قرآن ». *پایگاه اطلاع رسانی حوزه*. www.hawzah.net
ـمکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۵). « امامت از اصول دین ». *آیین رحمت* (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی).
www.makarem.ir/main.aspx.Accessed: August.30.2021.

Manifestation of "Position of Ahl al-Bayt (as)" in Miniatures of Ilkhani and Timurid Periods

Marziye Ali Poor [1]

Received: December 12 , 2022

Accepted: March 11 , 2023

Abstract

Shiite art is monotheistic art, which is placed in the scope of Islamic art by emphasizing the two principles of Imamate and justice. Some have considered the formation of the Safavid government as the foundation for the emergence of this art and considered this period as the beginning of Shiite art, but it should be said that the spread of Shiite art in Iran started in a gradual process from the Ilkhanid era, and it spread and continued in the Timurid era and was stabilized in the Safavid era. The existence of Shiite tendencies among Iranians has manifested the themes and elements of Shiite beliefs in miniature and has caused the presence of the face of the Prophet (pbuh) and Ahl al-Bayt (as) in the miniatures. The purpose of this research is to identify the visual characteristics of "position of Ahl al-Bayt (as)" in the miniatures of the Ilkhanid and Timurid periods and their relationship with the principles of Shia religion. Based on library studies and with a descriptive analytical method and with a comparative approach, the miniatures of Ilkhani and Timurid periods have been examined from the perspective of Shia beliefs and how to depict and analyze their aesthetic and symbolic elements. The findings show that the illustration of versions with Shiite themes and especially Ahl al-Bayt (as) has always been influenced by the religious thinking of artists and their supporters in different era. As in most of the Shiite miniatures of the Ilkhani period, a realistic method is used to display visual components, and sometimes explicit and simple symbols have also appeared in them. However, in the Timurid period, with the increase of Shia tendencies, they tried to portray Shia themes and personalities as they were reflected in the Shia religion by avoiding realism and entering the field of symbolism, and in this way, the platforms for the growth of the symbolic elements of the Shiite miniatures of the Safavid period were provided.

Keywords: Ahl al-Bayt (as), Shia, Miniature, Ilkhani and Timurid Periods.

1. PhD in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Shāhid University, Tehran, Iran: marziealipoor@yahoo.com